

مقدمه مؤلف

یادمه تا همین چند وقت پیش، نمره و معدل امتحان‌های نهایی هیچ اثر و خاصیتی روی تراز و رتبه کنکور نداشتن. اگه یکی معدلش بالای ۱۹ می‌شد، واسه دل خودش یا برای خوشحال کردن دل پدر و مادرش بود. خودم هم معدل آنچنانی نداشتم، ولی با تمرکز روی کنکور و دعای خیر پدر و مادر و شرکت نکردن در کلاس‌های کنکور و نخریدن کتاب‌های کمک‌آموزشی و دوری جستن از مافیای کنکور (اینارو مجبورم بگما، چون هر کی رتبه می‌شد ازش می‌خواستن اینارو بره جلوی دوربین بگه!) در یکی از بهترین دانشگاه‌های ایران قبول شدم. یا مثلاً اگه یکی معدلش ۱۰، هم می‌شد، می‌تونست کنکور و بترکونه و بره رشته‌های پزشکی یا مهندسی‌های دانشگاه‌های خوب. یکیش همین دکتر رستگار رحمانی خودمون که هر جا هست شاد و سلامت باشن! اما یهو داستان عوض شد و نمره نهایی شد همه چیز مردم. هر کی با نهایی شوخی کرد، زحمات کنکورش به باد رفت. خداییش ما معلما هم فکر نمی‌کردیم قضیه این‌قدر جدی باشه. خلاصه این‌که ۲۰ شدن یه وظیفه شده. منم توی این کتاب تورو به ۲۰ می‌رسونم.

این کتاب چی داره؟

توی بانک نهایی، قسمت به قسمتشو با تیپ‌بندی سؤالات امتحان نهایی رفتیم جلو؛ مثلاً توی قسمت واژه، اول سؤالات شکلی می‌دن، منم هر چی سؤال شکلی بودو آوردم، بعدش تیپ سؤال «جملات زیر را با کلمات داده‌شده، کامل کنید» اومده و الی آخر. همه سؤالاتو توی پاسخ‌نامه ترجمه کردم و به همشون پاسخ تشریحی کامل دادم. درس‌نامه گرامر و بخش نوشتاری هم داخل پاسخ‌نامه آورده شده.

خب، حالا چه جوری باید برای امتحان نهایی خوندم؟

اول باید کتاب درسی و کتب کارو موبه‌مو بخونی. حرف معلم زبانت حقه. به تدریس معلم زبان مدرست خوب گوش بده و کتابو عالی یاد بگیر. همه معلما می‌گن که باید کلمات کتابو توی جمله و توی خود کتاب یاد بگیری؛ یعنی لغتو فقط توی متن یا جمله یاد بگیر نه به صورت فهرست‌وار و بدون جمله. وقتی به جایی رسیدی که بتونی کتابو روان و سریع معنی کنی، برو سراغ حل تمرین. اگه سؤالی رو غلط زدی، مارک‌دارش کن که همیشه اونو اول دوره کنی. زیاد نگران پایه هم نباش، چون وقتی صورت سؤالاتو کلمه‌به‌کلمه یاد بگیری، خودبه‌خود زبانت هم خوب می‌شه! هر جا توی کتاب درسیت QR code دیدی، با موبایلت به فایل شنیداریش گوش بده. توی بخش رایتینگ، بچه‌ها خیلی الکی الکی نمره از دست می‌دن، مخصوصاً پاراگراف‌نویسی در درس ۳. حواست به این بخش هم باشه که از همون اول رایتینگو تمرین کنی. خوندن زبانو توی هفته پخش کن. نظم داشته باش. این‌جوری نباشه که الان ۲ ساعت بخونی، بره تا ۱ ماه دیگه. اثرش می‌پره! راستی، راز یادگیری زبان صبر و حوصله و اصولی خوندنه. ضمن این‌که تکرار و دوره هم بکن. رمز و راز عجیب غریبی هم نداره. زود راه میفتی.

و در پایان


از خیلی‌سبز ممنونم که این کتابو داد من بنویسم. از خانم مرجان ملک‌محمدی، معلم زبان شهرستان نوشهر، بابت کمک‌هاشون تشکر می‌کنم. از آقای رضا رضایی، معلم زبان شهرستان ساری، بابت توصیه‌های علمی‌شون ممنونم. از دوست خوبم دکتر حمیدرضا نوربخش سپاس‌گزارم. از ویراستاران علمی این کتاب، خانم‌ها دینا مؤمنی و نسیم علی‌اکبری که تا آخر عمر بهشون مدیونم، سپاس‌گزارم. از خواهرزاده بامرامم، سارینا، هم ممنونم چون کارامو خوب دنبال می‌کنه!

روبه‌راه ببینمت!

حمید خزایی



این کتاب شامل محتوای تکمیلی است.

توی بعضی از صفحه‌های این کتاب آیکون  رو می‌بینی. هر کدوم از این آیکون‌های شماره‌دار ممکنه کلید یه گنج باشه، فقط کافیه دستورالعمل ساده زیر رو اجرا کنی تا به گنج برسی.

1 QR CODE پشت جلد کتاب رو اسکن کن.

2 شماره آیکون رو در باکس «جست‌وجوی گد» وارد کن و دکمه جست‌وجو رو بزنی و محتوای تکمیلی رو ببین.

محتوای تکمیلی این کتاب شامل فایل‌های شنیداری (صوتی) است.

فهرست مطالب

درس اول: Sense of Appreciation

۶ واژگان (Vocabulary)
۱۳ گرامر (Grammar)
۱۸ خواندن (Reading)
۲۶ نگارش (Writing)
۳۰ شنیداری (Listening)
۹۹ درسنامه و پاسخ‌های تشریحی درس اول

درس دوم: Look it Up!

۳۵ واژگان (Vocabulary)
۴۲ گرامر (Grammar)
۴۹ خواندن (Reading)
۶۰ نگارش (Writing)
۶۳ شنیداری (Listening)
۱۱۵ درسنامه و پاسخ‌های تشریحی درس دوم

درس سوم: Renewable Energy

۶۹ واژگان (Vocabulary)
۷۶ گرامر (Grammar)
۷۸ خواندن (Reading)
۸۹ نگارش (Writing)
۹۴ شنیداری (Listening)
۱۳۷ درسنامه و پاسخ‌های تشریحی درس سوم

ضمیمه: واژگان القیایی (دهم، یازدهم، دوازدهم)

سؤال	پاسخ
..... امتحان شماره (۱): خردادماه (چالشی تر)	۱۷۶
..... امتحان شماره (۲): خردادماه (چالشی تر)	۱۸۰
..... امتحان شماره (۳): نهایی خرداد ۱۴۰۳	۱۸۶
..... امتحان شماره (۴): نهایی دی ۱۴۰۳	۱۹۰
..... امتحان شماره (۵): نهایی خرداد ۱۴۰۴	۱۹۵

Lesson one

Sense of Appreciation

حس قدرشناسی

درس ۱

واژگان سطر به سطر کتاب دانش آموز

appreciation (n)	قدرشناسی، حق شناسی، تقدیر، سپاس؛ شناخت، درک
lower (v)	کاهش دادن، پایین آوردن
boost (v)	افزایش دادن؛ تقویت کردن
strength (n)	قدرت، نیرو
elderly (adj)	پا به سن گذاشته، فرد مسن، سالخورده
teenager (n)	نوجوان
temperature (n)	دما، حرارت؛ تب
physician (n)	پزشک
regard (v), (n)	توجه کردن، ملاحظه کردن؛ به شمار آوردن؛ توجه، ملاحظه
spare no pains	از هیچ کاری مضایقه نکردن، کم نگذاشتن
distinguished (adj)	برجسته، نامدار، سرشناس، مشخص، ممتاز، معروف
not surprisingly (adv)	جای تعجب نیست که
hometown (n)	وطن، زادگاه
regretful (adj)	تأسف آمیز، اسفبار، حاکی از پشیمانی؛ متأسف
catch (v)	گرفتن، دستگیر کردن، گیر انداختن، رسیدن به
found (v)	تأسیس کردن، بنیان نهادن
dedicated (adj)	متعهد، دلسوز، فداکار
by the way (adv)	راستی، ضمناً
sofa (n)	کاناپه، مبل
feed (v)	غذا دادن به؛ تأمین کردن
pigeon (n)	کبوتر
shout (v)	فریاد زدن
hard of hearing (adj)	کم شنوا، سنگین گوش
hug (v), (n)	بغل کردن؛ بغل
lap (n)	آغوش، بغل، دامان
burst into tears (phr.v)	زیر گریه زدن
repeatedly (adv)	مکرراً، به طور مکرر
suddenly (adv)	ناگهان
forgive (v)	بخشیدن، عفو کردن

calmly (adv)	به آرامی، با خونسردی
diary (n)	دفتر خاطرات؛ خاطرات
reply (v), (n)	پاسخ دادن؛ پاسخ
after a little while (adv)	بعد از مدتی کوتاه
pause (v), (n)	مکث کردن، توقف کردن؛ وقفه، توقف
lovingly (adv)	با محبت، از روی عشق، عاشقانه
kiss (v), (n)	بوسیدن؛ بوسه
once (adv)	زمانی؛ یک بار
whereby (conj)	طبق آن، به موجب آن، از طریق آن
meaningful (adj)	معنی دار، قابل فهم، ارزشمند، هدفمند، مهم
rather than (prep), (conj)	به جای، تا؛ به جای این که، تا این که
provide (v)	فراهم کردن، تهیه کردن، مهیا کردن، تدارک دیدن؛ در اختیار گذاشتن
along with (prep)	همراه با، به اضافه
quantity (n)	مقدار، اندازه، کمیت
process (n)	پردازش؛ فرایند
generate (v)	تولید کردن، به وجود آوردن، ایجاد کردن، حاصل کردن
go together (phr.v)	با هم بودن، با هم همراه بودن
combination (n)	ترکیب، آمیزش
collocation (n)	همایند، هم آبی
by heart (idiom)	از حفظ، از بر
mostly (adv)	عمدتاً، بیشتر، اغلب
ethics (n)	اخلاقیات
countless (adj)	زیاد، بی شمار
inspiration (n)	الهام، وحی، تشویق، گرایش؛ الهام بخش، منبع الهام
author (n)	نویسنده
solution (n)	راه حل، چاره؛ محلول
smart (adj)	باهوش، هوشمند، زیرک
by accident (adv)	به طور تصادفی، تصادفاً
for instance (adv)	برای مثال، برای نمونه

accidentally (adv)	برحسب اتفاق، تصادفاً، ناگهان
tool (n)	وسيله، ابزار
ordinary (adj)	معمولی، ساده، عادی
mention (v)	ذکر کردن، بیان کردن، اشاره کردن
elicit (v)	استنباط کردن، دریافت کردن، پی بردن (به چیزی)
signal (v), (n)	علامت دادن؛ علامت، سیگنال، اشاره
uncertainty (n)	شک، تردید، بلاتکلیفی، عدم اطمینان، بی ثباتی، شبهه
confirm (v)	تأیید کردن، تصدیق کردن
compound (n), (v), (adj)	ترکیب؛ ترکیب کردن، آمیختن؛ مرکب
enjoyable (adj)	لذت بخش
result (n), (v)	نتیجه، حاصل، اثر؛ نتیجه دادن، منتج شدن، منجر شدن
take a test	امتحان دادن
replace (v)	جایگزین کردن، جابه جا کردن، عوض کردن، جای چیزی را گرفتن
yet (adv)	با وجود این، با این حال، اما؛ هنوز
heritage (n)	ارث، میراث
belong (v)	متعلق بودن، تعلق داشتن
responsibility (n)	مسئولیت
either ... or (conj)	یا ... یا
bring up (v)	بزرگ کردن، پروردن، بار آوردن
willing (adj)	مایل، مشتاق، خواستار

rule (n)	قانون، قاعده، دستور
guideline (n)	راهنما، رهنمون، سرمشق، دستورالعمل، خط مشی
blessing (n)	برکت، نعمت، موهبت، دعای خیر، نعمت خداداده، استعداد خداداد
واژگان سطر به سطر کتاب کار	
hence (adv)	بنابراین، از این رو، پس، به این جهت
generation (n)	نسل؛ تولید
share (v), (n)	تقسیم کردن، سهم بردن، سهم داشتن در، سهم، قسمت، بخش
failure (n)	شکست
deserve (v)	استحقاق داشتن، سزاوار بودن، شایسته بودن
unconditionally (adv)	بی قید و شرط، بی چون و چرا
honored (adj)	مفتخر
duty (n)	وظیفه، مأموریت، تکلیف
handle (v)	اداره کردن، از عهده برآمدن
within (prep)	در، در توی، در مدت، در حدود، در ظرف
lack (n), (v)	نبود، فقدان، کمبود؛ فاقد ... بودن، نداشتن
grateful (adj)	متشکر، سپاس گزار، قدر دان، حق شناس، خرسند
worthy (adj)	شایان، شایسته، لایق، مستحق؛ ارزشمند، ارزنده، درخور
robber (n)	سارق
parrot (n)	طوطی
steal (v)	دزدیدن، دستبرد زدن

سلام بچه‌ها! این شاء الله که فوب و روبه راه باشید. شاید باورتون نشه، اما بیشتر از نصف سوالات امتحان نهایی، عین کتابتونه. از فوندرن کتاب درسی غافل نشین لطفاً! قبل از هر تیب سوال، کمی توضیح نوشتیم، هتماً به اون تویه کنین. هر سی! هر کی کتاب درسی و این کتابو بلد باشه، قطعاً ۲۰ می شه!

Vocabulary

واژگان

Type 1

توی هر درس، به سری شکل هست، هتماً به اون و هملات زیرشون دقت کنین. قطعاً سواله!
با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است.)



1.



2.



3.



4.

- (دی ۹۹) a I have kept a diary for twelve years.
- (دی ۱۴۰۰) b My little sister sits on my mother's lap all the time.
- (شهریور ۱۴۰۱) c Teenagers who help others are more successful in life.
- (فروردار ۹۹) d We have to speak louder, because my grandfather is hard of hearing.
- e Taking people's temperature can help them fight the coronavirus.

با توجه به تصاویر جملات زیر را کامل کنید.

20. We have to speak louder, because my grandfather is of hearing. (فرداد ۹۸)



21. My grandfather feeds the in the park every morning. (فارج فرداد ۱۳۰۰ و شهریور ۹۸)



22. We can help many people by what they need.



23. Sam has not come to work. I've heard he's, isn't he?



Type 2

برای این تیپ سؤال، او نایی موفق اندک کلمه رو توی متن یاد می‌گیرن. اصلاً همه جای امتحان همین کلمه رو توی متن یاد بگیرین.

جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

shared - born - dedicated - shouted

24. My sister her food among the poor children. (دی ۹۸)

25. Ferdowsi was in a village near Toos. (دی ۱۳۰۰)

26. Dr. Gharib was regarded as a physician and he spared no pains to help sick people. (فرداد ۹۸)

honored - distinguished - found - repeatedly

27. Elders feel when we appreciate them. (فرداد ۹۹)

28. I have told Mohsen to talk politely to his teacher. (شهریور ۹۹)

29. Dr. Gharib was known as a university professor in our country. (فرداد ۱۳۰۰)

deserved - share - dedicated - forgave

30. Elders have a lot to with us: their life experiences, failures, successes and many more. (شهریور ۹۸)

31. Ghasem Soleimani is regarded as a person because he spared no pains to help people. (فارج فرداد ۹۹)

32. A: Why did the boss treat him badly at work? (فارج فرداد ۹۸)

B: Everybody thought he better.

hearing - calmly - shares - later

33. My brother never his toys with his cousins. (فارج فرداد ۱۳۰۰)

34. We understand our teacher easily because she speaks well and (فارج فرداد ۹۹)

35. My grandfather is hard of so we have to speak louder. (فارج فرداد ۱۳۰۰)

Type B

هواستون به قسمت Read and Practice کتاب باشه. پای ثابت امتحان نهاییه!

برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک عبارت اضافی است.)

- A**
63. **calmly** (دی ۹۷)
64. **distinguished** (دی ۹۷)
65. **found**

- A**
66. Students should **appreciate** their teachers for their help and kindness. (شهریور ۱۳۰۱ و دی ۹۹)
67. I've told Mohsen **repeatedly** to talk politely to his teachers. (فارج فرداد ۱۳۰۱ و دی ۱۳۰۰)
68. Future **generations** will carry out our present values. (دی ۱۳۰۰)

- A**
69. She agreed some parts of her personal **diary** to be published. (شهریور ۱۳۰۰ و فرداد ۹۸)
70. Mom **forgave** me for breaking the vase. (فرداد ۱۳۰۰ و شهریور ۹۸)
71. Kindness **boosts** energy in elderly people. (دی ۱۳۰۱)

- A**
72. The children **burst into tears** on hearing of the death of their grandfather. (فارج فرداد ۹۹)
73. **failure** (فارج فرداد ۱۳۰۰)
74. **sofa** (فارج فرداد ۱۳۰۱)

- A**
75. **lap** (فارج شهریور ۱۳۰۰)
76. **proud** (فارج فرداد ۹۸)
77. **deserve**

- A**
78. I support her **unconditionally**.
79. Speak louder. My grandmother is **hard of hearing**. (فرداد ۱۳۰۲)
80. She is totally **dedicated** to her job.

- A**
81. Many **teenagers** study English in the library. (شهریور ۱۳۰۲)
82. I **spared no pains** to teach my students. (دی ۱۳۰۲)
83. Jabbar Baghcheban **founded** the first school for deaf students in Tabriz. (فرداد ۱۳۰۳)
84. He will never **forgive** his friends for what they have done. (شهریور ۱۳۰۳)

- B**
- a to start something such as an organization.
- b in a quiet way
- c to cry suddenly
- d well-known

- B**
- a many times
- b all the people of about the same age within a society.
- c a lack of success in doing something.
- d be grateful for

- B**
- a to be worthy
- b to increase or improve something
- c to stop being angry with someone
- d a book in which you record your thoughts and feelings.

- B**
- a lack of success in doing something
- b an act of holding someone tightly in one's arms.
- c a long seat with a back and arms.
- d to cry suddenly

- B**
- a to be worthy
- b the front part of our body from the waist to the knees when in a sitting position.
- c feeling pleased about sth that you own or have done.
- d due regard for the feelings, wishes or rights of other.

- B**
- a working hard at something because it is very important to you
- b to have something inside
- c unable to hear very well
- d not limited by or depending on any conditions

- B**
- a to stop being angry with someone
- b many times
- c people who are between 13 and 19 years old
- d to do whatever you can
- e to start something such as an organization



- | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|--|---|--|---|--|---|---|---|--|---|---|---|---|---|
| <p>142. grow</p> <p>143. care for</p> <p>144. handle</p> <p>145. love</p> | A | <p>146. strong</p> <p>147. heavy</p> <p>148. read</p> <p>149. hard</p> | A | <p>150. quick</p> <p>151. fast</p> <p>152. do</p> <p>153. go</p> | A | <p>154. not</p> <p>155. by</p> <p>156. burst into</p> <p>157. sit on</p> | A | <p>a things</p> <p>b older</p> <p>c elders</p> <p>d unconditionally</p> | B | <p>a rain</p> <p>b wind</p> <p>c of hearing</p> <p>d a newspaper</p> | B | <p>a abroad</p> <p>b meal</p> <p>c food</p> <p>d exercise</p> | B | <p>a tears</p> <p>b the sofa</p> <p>c surprisingly</p> <p>d the way</p> | B |
|---|---|--|---|--|---|--|---|---|---|--|---|---|---|---|---|

Type 7

کلمه‌ای که با بقیه همخوانی ندارد را کنار بگذارید.

- | | | | |
|----------------|-------------|-----------|--------------|
| 158. a respect | b function | c value | d appreciate |
| 159. a sparrow | b pigeon | c eagle | d ostrich |
| 160. a boost | b lower | c expand | d improve |
| 161. a protect | b care | c support | d generate |
| 162. a moral | b principle | c ethic | d culture |

Grammar

گرامر

Type 1

آگه گرامر این درسو فوب بلد نیستین، اول یه سری به پاسخ نامه بزنین. اون با همه پیو از اول درس دادم!
گزینه صحیح را انتخاب کنید.

سوالات معلوم و مجهول

163. The letter by my father two hours ago. (دی ۹۷)
- a was posted b posted c was posting d has posted
164. A: Are the roads safe?
B: No, every year hundreds of people on these roads. (فارج فرداد ۹۸)
- a are killed b are killing c have killed d have been killed
165. I to play ping pong when I was six years old. (شهریور ۹۸)
- a had taught b was taught c taught d will be taught
166. Hafez to be as one of the most famous Persian poets of all time. (شهریور ۹۹)
- a knows b is known c knowing d has known
167. Alcohol by an Iranian scientist called Razi many years ago. (فارج فرداد ۹۹)
- a was discovering b was discovered c has discovered d had discovered

Type 2

این بخش شاید کمی سفت به نظر برسه، ولی پندتای اول رو که انجام بدید، سلطان این بخش هم می‌شین!
 شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

212. I know a restaurant in which a variety of sea foods (to serve) (فرداد ۹۸)
213. Nothing about it while I was talking to him. (say) (فرداد ۹۹)
214. Persian in Iran, Tajikistan and Afghanistan. (speak) (دی ۹۹)
215. Do you know Javid's birthday is this Friday? You to his birthday party, haven't you? (invite) (فرداد ۹۹)
216. Some inventions by accident or scientists' mistakes every year. (to create) (فرداد ۱۴۰۲)
217. Many products like light bulb, camera, and telephone each year. (to develop) (شهریور ۱۴۰۲)
218. My uncle of the recent changes in the office. (to inform)
219. Jack's money in the train. (steal)
220. I have two parrots. They in the cage. (keep)
221. The first fast food restaurants in our city thirty years ago. (open)
222. The robber by the police last week. (find)
223. The butter is always in the fridge. (keep)
224. The first television by Baird in 1924. (invent)
225. A book to Sina for his birthday yesterday. (give)
226. It that the solar system may have many objects like Pluto. (feel)
227. Nigel's passport last night. He has to go to the U.S. embassy in Paris. (to steal)
228. The Sun and the Earth in our galaxy, Milky Way. (to locate)
229. The BMW company in 1916 and has its headquarters in Munich, Bavaria. (to found)
230. Have you of the recent increase? (to inform)
231. All the cake by the hungry children since their mother left them alone. (to eat)
232. Smoking to increase a person's risk of developing lung cancer. (to know)
233. The little boy the box, can't he? (to open) (دی ۹۷)
234. It rather cold today, doesn't it? (to seem) (فرداد ۹۸)
235. Last night my father home very late, didn't he? (to come) (شهریور ۹۸)
236. He always to do things at the last moment, doesn't he? (decide) (فرداد ۹۹)
237. I know, but I absent last week, wasn't I? I have a lot of questions now. (be) (فارج فرداد ۹۹)
238. Joe's mother a new car, will she? (buy) (فارج شهریور ۱۴۰۰)
239. She the pigeons every morning, doesn't she? (feed) (فارج فرداد ۱۴۰۱)
240. I never my homework at class, did I? (to do) (فارج فرداد ۱۴۰۱)
241. My mother never her finger while working with a knife, does she? (to cut) (دی ۱۴۰۱)
242. People each other at the party, don't they? (to respect) (دی ۱۴۰۲)
243. The robber by the police two months ago, wasn't he? (to catch) (فرداد ۱۴۰۳)
244. These birds never during the night, do they? (to fly)
245. The teacher the students play a game in the classroom, didn't he? (to let)
246. Debora hardly ever in the public, does she? (to speak)
247. The weather if we sit here and look out of the window, will it? (to improve)

Type 3

من به این بخش می‌گم تیم ملی لغت و گرامر! هم باید گرامر تون خوب باشه، هم واژگان. اول با تک تک کلمات ارتباط برقرار کنین. بعدش توی خود برگه سوال بنویسینش.
 بعدش هم وارد پاسخ‌نامه‌ش کنین.

با استفاده از کلمات درهم‌ریخته زیر، یک جمله معنادار بنویسید.

248. went / my brother / to the library / at all / didn't / but / he / study / . (دی ۹۸)
249. employed / during / a lot of / the last five years / have been / workers / . (شهریور ۹۸)
250. scientists / camera / and / by / Were / light bulb / invented / ? (فارج فرداد ۱۴۰۱)
251. has / Language / studied / for / years / been / many / . (فارج فرداد ۱۴۰۱)



252. doctors / medicine / been / new / cancer / made / to cure / has / a / by / .
 253. asked / a question / my teacher / so / replied / I / .
 254. studies / Mary / but / she / cannot / the exam / pass / a lot / .
 255. Reza / the class / attend / in hospital / he / cannot / so / is / .
 256. scientists / found / by / to problems / solutions / are / .
 257. heart / because / he / the Holy Quran / Hafez / is / learned / he / called / by / .
 258. important / elders / is / for / respect / our / very / it / us / to / ?

Type 4

آگه توی قسمت گرامر، سوال شکلی اومد، به گرامر به کار رفته توی صورت سوال دقت کنین. باید با همون گرامر جوابو بنویسین!
 جملات زیر را با توجه با تصویر پاسخ دهید.



259. What was done by the boy yesterday?
 The vase

(فرداد ۱۴۰۲)



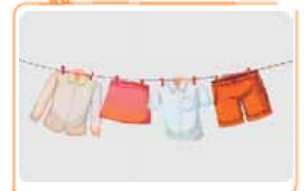
260. Was he caught by the police?



261. What language is spoken in this country?



262. How many shirts have been washed?



263. What was done by the man last Friday?
 The car

(شهریور ۱۴۰۲)



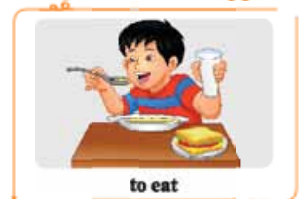
264. A: What is done by the man?
 B: The car

(شهریور ۱۴۰۳)



265. What did the boy do last night?
 The dinner by

(دی ۱۴۰۲)



to eat

Reading

خواندن

Type 1

بملاط درک مطلب‌های کوتاه و تک‌سوالی از خود کتاب درسی و کار هستن؛ پس بهتره کتابو خوب بفویدا! ضمن این که همیشه ۲ تا ۳ گزینه به شکل تابلویی غلط هستن؛ پس دنبال ردگزینه هم باشید.
 متن هر قسمت را بخوانید و با توجه به مفهوم، بهترین گزینه را انتخاب کنید.

266. Elders have a lot to share with us such as their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus, we need to care for them because they deserved to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.

(فرداد ۱۴۰۲)

We have to care for our elders because

- a** their failures are less important **b** they respect us as their teachers
c they share their life experiences with us **d** their successes are not important

267. If today we respect our elders, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

(شهریور ۱۴۰۲)

- a** Children carry more values than elders. **b** Elders respect us more than children.
c Children will carry elders when they grow old. **d** When we respect elders, our children learn to respect us.

268. We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them.

(دی ۱۴۰۲)

- a** Parents love and respect those who once cared for us.
b Parents know how children care for us.
c We have to take care of parents because they have done it for us so earlier.
d All parents care for their children as all children once cared for them

269. You may or may not know of all the ups and downs our parents have faced in life but they have gained experience that is worth respecting and learning from.

(فرداد ۱۴۰۳)

- a** Life has been easy for our parents, so we should respect them.
b Our parents do not prefer to share their experiences with us.
c We know everything about our parents' experience.
d There are valuable things to learn from our parents.

270. Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families.

(شهریور ۱۴۰۳)

- a** He had no pains and helped children to cure the sick.
b He tried to cure sick children and helped poor people.
c He was sick and spared no pains to help friends.
d He was from a poor family and had no pains.

271. Question generation is a reading comprehension strategy whereby readers ask and answer meaningful questions about the important points or main ideas of a text.

- a** Question generation helps readers to remember minor details from the text.
b Question generation involves readers in creating and answering significant questions about main ideas.
c Question generation is not useful for improving reading comprehension.
d Question generation is only for identifying the titles of texts.

272. Hafez is known to be the inspiration for many poets and authors around the world.

- a** Many writers around the world have been influenced by Hafez.
b Hafez only inspired local poets.
c Only a few people know about Hafez.
d Hafez copied other authors.



Type 2

برای سؤالی متن، اول صورت سؤالو بفونین. هتماً توی صورت سؤال کلمه کلیدی وجود داره. همون کلمه کلیدی رو توی متن پیدا کنین. بدون شک جواب دور و بر همون کلمه کلیدی هستش!
متن‌های زیر را بخوانید و به سؤالات به صورت خواسته شده پاسخ دهید.

متن ۱ (دی ۹۷)

Teachers are an essential part of our lives. They teach us much more than reading and writing. They teach us life lessons and help us discover who we are and how to succeed.

It's important to appreciate the teachers who are dedicated to their jobs. Even if you feel you have too much homework and too many exams, take a moment to think how important your teachers are. Without them, you wouldn't be where you are today.

Teaching requires a lot of time, preparation, and effort. Outside of the class, teachers write lesson plans, create exams, and grade tests. They also attend conference and training sessions to find tools and ways to help students succeed. Teachers are very knowledgeable on the specific subjects they teach. However, it takes a helpful and dedicated individual to be able to teach effectively. Teaching requires them to stay up-to-date on advances in their field of study. They are busy with a wide variety of responsibilities.

Teachers need to make sure that they know all their students' names and they must learn them quickly. One way of having a productive class is learning students' names.

This article has given you some insight of the hard work and dedication that your teachers use each day at school. Then, next time that you see your teachers, tell them you appreciate their help.

281. What do teachers do to find tools and ways to help their students become successful?

282. What does the word "essential" in the first line mean?

- (a) dedicated (b) knowledgeable (c) necessary (d) productive

283. What does the word "them" refer to?

- (a) subjects (b) classes (c) teachers (d) students' names

284. Teachers are just busy when they are at school.

- (a) True (b) False

285. The only things that students learn at school are reading and writing.

- (a) True (b) False

متن ۲ (فرداد ۹۸)

Some people prefer to provide help and support directly to those in need. However, others prefer to give money to national and international charity organizations. Giving money to those in need can be a personally good experience, but there is a choice between donating nationally and internationally through charities or giving directly to those around you.

One of the advantages of providing direct support is that you can know exactly how your money is spent. Another benefit is that you can see the impacts on those you are helping, which can lead not only to great personal happiness but also to respect from others who appreciate the work you do.

There are advantages in giving to charities that are national and international. First and the best is helping in problems of global importance, such as curing diseases and human rights or helping those who are in bad environmental events like earthquakes and floods.

In conclusion a person should make their own choice in helping others. The important point is that we continue to give to those who are more in need than ourselves.

286. What can it lead to when you see the impacts on those you are helping?

287. What is the important point in helping others?

288. What is the closest synonym for the word "benefit"?

- (a) experience (b) advantage (c) choice (d) effect

289. Helping people in bad environmental events has global importance.

- (a) True (b) False

290. All people feel great personal happiness when they help others.

- (a) True (b) False

cloze 2

Collocation is the way words work together to sound ... (344) ... in a particular context. For example, we might say 'The typhoon brought heavy rain and strong winds', but we would not say that it brought 'strong rain' or 'heavy winds'. Those ... (345) ... do not collocate. ... (346) ... collocations 'wrong' may not prevent people from understanding your text ... (347) ... it can often make the meaningless precise, and may sound odd. Choosing the right collocation will enable you to ... (348) ... yourself more precisely and will draw attention to where it should be.

344. a natural b strange c familiar d calm
 345. a combinations b arrangements c strategies d instances
 346. a Get b Getting c To getting d Got
 347. a so b and c because d but
 348. a claim b dedicate c express d develop

cloze 3

Have you ... (349) ... had a teacher who opened up a whole new world to you? It was the teacher who never gave up on you and believed you could attain anything you set your mind to. Did you ever thank that teacher and tell him or her the difference he or she ... (350) ... in your life? If you haven't, maybe you should ... (351) ... doing for that special teacher on Teacher's Appreciation Week. Though, every teacher deserves to feel special on Teacher's Appreciation Week.

I know it is their job to teach you, but some teachers go beyond the limits of teaching classroom lessons. Teachers try to ... (352) ... you to do something that you never thought was imaginable. They want to expand your horizons with the knowledge they ... (353) ... throughout the years. Teachers want you to have gigantic dreams and complete all of them. As a result, you should thank the teachers who go above and beyond the normal teaching classroom lessons.

349. a never b ever c before d ago
 350. a did b made c kept d found
 351. a consider b generate c forgive d dedicate
 352. a spare b distinguish c inspire d regard
 353. a had learned b have learned c are going to learn d learned

Writing

نگارش

Type 1

برای پاسخ به این بخش، فقط باید معنی کردن بلد باشید. راستی توی پاسخ نامه هم درشش دادم!

هر یک از جملات زیر را با انتخاب یک کلمه ربط (but, and, so, or) کامل کنید.

354. Mrs. Tehrani likes fish, her grandmother hates it. (دی ۹۷)
 355. These shoes aren't comfortable, I rarely wear them. (فارج فرداد و دی ۹۷)
 356. The woman washed the dishes, her daughter dried them. (دی ۹۷)
 357. You can check this booklet, you may see our website. (دی ۹۷)
 358. The early bird catches the worm, if you want to succeed, wake up and start work early. (فرداد ۹۸)
 359. He bought a house, found a job, chose a school for his children last year. (فرداد ۹۸)
 360. The glass fell down to the floor, it didn't break. (فرداد ۹۸)
 361. You can pay now, when I finish your painting. (فرداد ۹۸)
 362. Our English teacher is very strict, all of the students really like him. (فارج فرداد ۹۸)

407. Will you go out to the cinema, you will stay at home? (دی ۱۴۰۱)
408. Ahmad can sing amazingly, he cannot draw well. (فارج فرداد ۱۴۰۱)
409. It's raining heavily outside, take your umbrella. (فارج فرداد ۱۴۰۱)
410. I studied physics last night, I took some notes. (فارج فرداد ۱۴۰۱)
411. You can install this dictionary, you can buy a paper one. (فارج فرداد ۱۴۰۱)
412. I called Tom, he didn't answer. (فارج فرداد ۱۴۰۱)
413. It was very late, we took a taxi. (فارج فرداد ۱۴۰۱)
414. You can go by bus, you can go by train. (فارج فرداد ۱۴۰۱)
415. She got into the car, she left. (فارج فرداد ۱۴۰۱)
416. You can have the blue pen, you can have the red one. (فرداد ۱۴۰۲)
417. I'm very good at sport, I am terrible at math. (فرداد ۱۴۰۲)
418. My classmate studied mathematics well, she took some notes. (فارج فرداد ۱۴۰۲)
- Trees are very valuable. They take carbon dioxide from the atmosphere, (419) ... fill it with oxygen. Carbon dioxide is harmful to nature, (420) ... oxygen keeps it alive. In addition, they supply us with many necessary things of everyday life, (421) ... trees are the best friends of man. (فرداد ۱۴۰۳)
422. Shiva plays tennis well, Zahra is not good at it. (شوریور ۱۴۰۲)
423. There was nothing on TV, I went to bed. (شوریور ۱۴۰۲)
424. You can send a message to him, you can call him. (دی ۱۴۰۲)
425. I wanted to watch the movie, my brother wanted to watch the game. (دی ۱۴۰۲)

Type 2

جملات زیر را با استفاده از تصویر و یکی از کلمات ربط (but, and, so, or) کامل کنید و یک جمله مرکب معنادار بنویسید.

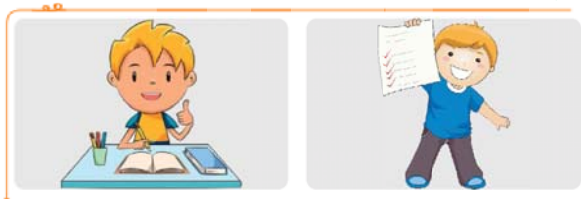
426. Many people are still becoming sick because of the COVID 19, so (فرداد ۹۹)



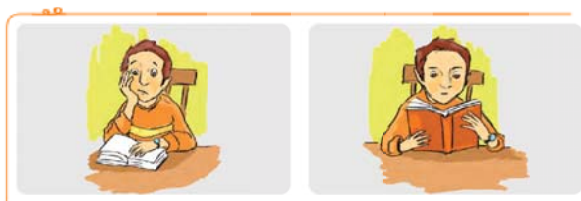
427. Jimmy seems very tired, but (فرداد ۹۹)



428. Saeed studied hard for the exam, (شوریور ۹۹)



429. The book is boring, (دی ۱۴۰۰)



438. My parents enjoy working in the garden,
 (شورپور ۱۴۰۲)
 (a) so they are sad (b) or their garden is beautiful
 (c) and they grow vegetables there (d) but they like their garden
439. Mahyar must choose. He can watch TV,
 (شورپور ۱۴۰۲)
 (a) and he can go abroad (b) so he can pass the exam
 (c) but he can play the piano (d) or he can sleep
440. It is raining heavily,
 (دی ۱۴۰۲)
 (a) so drive more carefully (b) or you should wash the yard
 (c) and the street is dry (d) but he took a taxi
441. John likes to read books,
 (دی ۱۴۰۲)
 (a) or the books are English (b) so he rests and sleeps a lot
 (c) but he is deaf (d) and he spends too much time to do it

Listening

شنیداری

(دی ۹۷)

به فایل صوتی به دقت گوش دهید و گزینه مناسب را انتخاب کنید.

442. When is her birthday?

- (a) next week (b) next Monday



443. Is she going to have a party?

- (a) yes (b) no

(دی ۹۷)

به فایل صوتی به دقت گوش کنید و حداکثر در سه کلمه به سؤالات پاسخ دهید.

444. What colour was the dress?

445. Did her mother like the dress?



(دی ۹۷)

به فایل صوتی به دقت گوش دهید و گزینه مناسب را برای سؤالات انتخاب کنید.

446. Cooking is easy for her.

- (a) True (b) False

447. Her older sister helps her cook.

- (a) True (b) False

(دی ۹۷)

به فایل صوتی به دقت گوش دهید و جاهای خالی را پر کنید.

The brain is more active at night than during the day. Most part of the brain is (448)

When the brain does not have good and (449) food, it becomes smaller.



(شورپور ۹۸)

دانش آموز عزیز به فایل صوتی به دقت گوش دهید، سپس جاهای خالی را پر کنید.

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

Nurse: Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr. Mohammad Gharib?

Sara: I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not (450) about it.

Nurse: Dr. Gharib was a famous physician.

Sara: Oh, can you tell me a little about his (451)?

Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went (452) to study medicine.



پاسخ نامه تشریحی درس ۱

۱. (e) اندازه گیری دمای بدن افراد می تواند به آن ها کمک کند با ویروس کرونا بجنگند.
 ۲. (d) ما باید بلندتر حرف بزیم، چون پدر بزرگم سخت شنواست.
 ۳. (b) خواهر کوچکم همیشه روی دامان مادرم می نشیند.
 ۴. (a) من به مدت دوازده سال خاطرات نوشته ام.
 ۵. (e) بچه ها باید به والدینشان احترام بگذارند.
 ۶. (c) عموی من نزد پسرش رفت و او را بغل کرد.
 ۷. (a) پدر بزرگم هر روز صبح در پارک به کبوترها غذا می دهد.
 ۸. (b) آن مادر دارد فرزند کوچکش را در آغوش می گیرد.
 ۹. (a) مهربانی، انرژی و نیرو را در اعضای خانواده تقویت می کند.
 ۱۰. (d) خاطره نوشتن به ما این امکان را می دهد که روی زندگی روزانه مان تفکر کنیم.
 ۱۱. (c) ما باید از افراد سالخورده مراقبت کنیم.
 ۱۲. (e) وقتی تکالیفم را انجام ندم، او سر من داد زد.
 ۱۳. (c) فردوسی در روستایی نزدیک طوس متولد شد.
 ۱۴. (d) حمید تمام اوقات روی کانپه می نشیند و تلویزیون تماشا می کند.
 ۱۵. (b) وقتی او نتیجه را دید، زیر گریه زد.
 ۱۶. (e) ما می توانیم با اهدا کردن آن چه که مردم نیاز دارند به آن ها کمک کنیم.
 ۱۷. (pigeon) پدر بزرگم هر روز صبح در حیاط به کبوترش غذا می دهد.
 ۱۸. (a dedicated dentist)
- الف: عالی است! راستی، آیا دکتر اسدی را دعوت کرده ای؟
ب: بله، او بهترین دوست من است. او یک **دندان پزشک متعهد** است و این روزها سرش خیلی شلوغ است.
۱۹. (poetry / poems) دانش آموز ممتاز در سن کم شروع به یادگیری شعر از حفظ کرد.
 ۲۰. (hard) ما باید بلندتر حرف بزیم، چون پدر بزرگم سخت شنواست.
 ۲۱. (pigeons) پدر بزرگم هر روز صبح در پارک به کبوترها غذا می دهد.
 ۲۲. (donating) ما می توانیم با اهدا کردن چیزهایی که مردم نیاز دارند، به آن ها کمک کنیم.
 ۲۳. (sick) سام به سرکار نیامده است. شنیده ام **مریض** است، مگر نه؟
 ۲۴. (shared) خواهرم غذایش را بین بچه های فقیر **تقسیم** کرد.
 ۲۵. (born) فردوسی در روستایی نزدیک طوس **متولد** شد.
 ۲۶. (dedicated) دکتر قریب یک پزشک **متعهد** محسوب می شد و برای کمک به مردم مریض از هیچ کاری دریغ نمی کرد.
 ۲۷. (honored) افراد سالخورده احساس **غرور** می کنند وقتی از آن ها قدرشناسی می کنیم.
 ۲۸. (repeatedly) من به **طور مکرر** به محسن گفتم که با معلمش مؤدبانه صحبت کند.
 ۲۹. (distinguished) دکتر قریب به عنوان یک استاد **برجسته** دانشگاه در کشور ما شناخته می شد.
 ۳۰. (share) افراد سالخورده چیزهای زیادی دارند که ما به **اشتراک** بگذارند؛ تجارب زندگی، شکست ها، موفقیت هایشان، و چیزهای خیلی بیشتر.
 ۳۱. (dedicated) قاسم سلیمانی به عنوان یک شخص **فداکار** محسوب می شود، چون او برای کمک به مردم از هیچ کاری دریغ نکرد.
 ۳۲. (deserved) الف: چرا رئیس سر کار با او به طرز بدی رفتار کرد؟ ب: همه فکر می کردند که او **سزاوار** رفتاری بهتر بود.

۳۳. (shares) برادرم هرگز عروسک هایش را با پسرعموهایش به **اشتراک** نمی گذارد.
۳۴. (calmly) ما حرف معلممان را به آسانی می فهمیم چون او خوب و **آرام** صحبت می کند.
۳۵. (hearing) پدر بزرگم سخت **شنواست**، بنابراین باید بلندتر حرف بزیم.
۳۶. (forgive) من هرگز او را به خاطر روشی که با من رفتار کرد **نخواهم بخشید**.
۳۷. (shouted) آن مرد سر پسرش **داد زد** وقتی او تکالیفش را انجام نداد.
۳۸. (founded) دکتر قریب به وطنش برگشت و مرکز پزشکی کودکان را **تأسیس** کرد.
۳۹. (dedicated) جای تعجب نیست، که او به عنوان یک پزشک **متعهد** محسوب می شد.
۴۰. (temperature) وقتی مادر جوان متوجه شد که بچه هنوز بعد از دوازده ساعت تب بالایی دارد، تصمیم گرفت پیش یک دکتر برود.
۴۱. (burst) بادکنکها مرا عصبی می کنند - متفردم وقتی می **ترکند**.
۴۲. (distinguished) فرهاد: درباره معلم جدیدمان چه فکری می کنی؟ محسن: فکر می کنم او بسیار **برجسته** است.
۴۳. (share) ما هرگز اسباب بازی هایمان را با پسرعموهایمان به **اشتراک** نمی گذاریم.
۴۴. (deserve) بعد از همه آن کار سخت، شما **استحقاق** یک مرخصی را **دارید**.
۴۵. (discover) دانشمندان همچنان داروهای جدیدی **کشف** می کنند، بنابراین همیشه برای افرادی که در کما هستند امید وجود دارد.
۴۶. (peaceful) معمولاً، همه در کشورهای توسعه یافته آزاد هستند که در فعالیت های سیاسی **صلح آمیز** شرکت کنند.
۴۷. (blessing) چه **موهبتی** که شما در آن تصادف مرگبار صدمه ندیدید. واقعاً نگران شما بودم.
۴۸. (belonging) دانش آموزان دبیرستان البرز یک حس **تعلق** خاصی نسبت به مدرسه شان دارند.
۴۹. (regarding) پیرو نامه ۱۱ مارس تان، مایلم به شما نسبت به تعدادی از پیشرفت های اخیر **راجع** به وبسایت شرکت اطلاع دهم.
۵۰. (heritage) همدان و شیراز یک **میراث** غنی فوق العاده از ساختمان های تاریخی دارند.
۵۱. (moral) یک انسان وظیفه ای **اخلاقی** دارد که از قانون پیروی کند.
۵۲. (Generation) **نسل Z** برای توصیف آمریکایی هایی که کار می رود که در طول اواخر ۱۹۹۷ و اوایل ۲۰۱۲ متولد شدند.
۵۳. (creating) رفتار او دارد مشکلات زیادی را **ایجاد** می کند.
۵۴. (proud) سابقه گذشته او یقیناً چیزی است که می توان به آن **افتخار** کرد.
۵۵. (guidelines) مربی ایران، کارلوس کیروش، یک روز قبل از بازی مهمشان با مراکش، بازیکنانش را **مقداری راهنمایی** و نصیحت کرد.
۵۶. (brought up) گابریل ژسوس، بازیکن برزیلی جوان و با استعداد در سانئوپائول متولد و در یک خانواده متوسط **بزرگ** شد.
۵۷. (founded) ازدواج آن ها بر اساس عشق و احترام دوطرفه **بنا** شد.
۵۸. (unconditionally) وقتی فرزند شما احساس عشق **بی قید و شرط** کند، احتمال این که شاهد تغییر باشید زیاد است.
۵۹. (failure) **شکست** بیشتر کسب و کارها و شرکت ها، نتیجه مستقیم مدیریت بد است.
۶۰. (handle) دیدگاه منطقی داشتن در مورد مشکلات و مراقبت از سلامت جسمیتان، دو روش برای **کنترل** مؤثر استرس هستند.
۶۱. (hence) پروژه بزرگراه در پایان سال کامل خواهد شد؛ لذا دو ماه **بعد**.
۶۲. (duty) ما **وظیفه** عمومی داریم که به افراد بی خانمان کمک کنیم تا بتوانیم یک جامعه بهتر داشته باشیم.

۹۳. **(burst)** بادکنکها مرا عصبی می کنند - متفرفم وقتی آن‌ها می ترکنند.
۹۴. **(honored)** افراد سالخورده ما احساس افتخار می کنند وقتی از عشقشان قدرشناسی می کنیم و به آن‌ها احترام می گذاریم.
۹۵. **(teenager)** کسی که بین ۱۳ و ۱۹ سال دارد، یک نوجوان نامیده می شود.
۹۶. **(homeland)** کشوری که در آن متولد شدید، وطن شماست.
۹۷. **(regarding)** ما چیزهای زیادی داریم که از والدینمان راجع به میراثمان یاد بگیریم تا به گذشته مان افتخار کنیم.
۹۸. **(born)** دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد.
۹۹. **(duty)** وظیفه ماست به افراد سالخورده مان کمک کنیم وقتی به ما نیاز دارند.
۱۰۰. **(failure)** اولین تلاش آن‌ها برای بالارفتن از سیلان به شکست انجامید.
۱۰۱. **(increases)** مراقبت کردن از نوه‌ها عملکرد مغز و حافظه را افزایش می دهد.
۱۰۲. **(lowers)** کمک کردن به سایرین، فشار خون را کاهش می دهد.
۱۰۳. **(improves)** گوش دادن به نصیحت افراد مسن تر، زندگی ما را بهبود می بخشد.
۱۰۴. **(forgave)** مادر مرا به خاطر شکستن گلدان بخشید.
۱۰۵. **(lack)** افرادی که فاقد اعتمادبه نفس هستند، ایمان ندارند که مستحق نتایج عالی هستند.
۱۰۶. **(responsibility)** محسن هیچ حس مسئولیتی ندارد؛ بنابراین شما نمی توانید از او انتظار داشته باشید کار را به موقع انجام دهد.
۱۰۷. **(inspiration)** حافظ از شگفتی‌های خلقت و لذت‌های زندگی در شهر زیبای شیراز الهام‌اش را گرفت.
۱۰۸. **(heart)** شعرهای خیام در سراسر جهان بسیار محبوب‌اند و بعضی از رهبران تعدادی از اشعار او را از حفظ بلدند.
۱۰۹. **(hug)** چون پدرم معمولاً به عنوان یک ملوان برای ماه‌ها از خانه دور است، وقتی پیشمان برمی گردد، او را بغل می کنم و می بوسم.
۱۱۰. **(respect)** علی کریمی یک بازیکن استثنایی بود. او نه تنها به خاطر نحوه بازی‌اش بلکه به خاطر شجاعتی که داشت، احترام کسب کرده بود.
۱۱۱. **(pigeons)** صدها سال پیش، انسان‌ها برای انتقال پیام به مکان‌های دور از کبوترها استفاده می کردند.
۱۱۲. **(later)** پروژه دو هفته بعد کامل خواهد شد.
۱۱۳. **(b)** وقتی در بیمارستان بودم، پرستار داشت تیم را اندازه می گرفت.
۱۱۴. **(b)** ما باید بلندتر حرف بزنیم چون مادر بزرگم سخت شنوا است.
۱۱۵. **(d)** او سعی کرد صدایش را هنگام صحبت پایین بیاورد تا هیچ کس دیگری در اتاق گفت‌وگوی آن‌ها را نشنود.
۱۱۶. **(a)** پرستار با یک دماسنج وارد اتاق شد تا دمای بدنم را بگیرد و بررسی کند که آیا تب دارم یا نه.
۱۱۷. **(c)** بعد از چند روز احساس بیماری، تصمیم گرفتم به یک پزشک مراجعه کنم تا بفهمد مشکل چیست.
۱۱۸. **(d)** ویلیام شکسپیر به دلیل آثار مشهورش یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان تاریخ محسوب می شود.
۱۱۹. **(b)** او کاملاً به شغل خود به عنوان معلم متعهد است و ساعات اضافی را برای کمک به دانش آموزان پس از کلاس صرف می کند.
۱۲۰. **(a)** برنامه ریز عروسی تمام تلاش خود را به کار گرفت تا حتی کوچک‌ترین جزئیات برای روز بزرگ بی نقص باشد.
۱۲۱. **(c)** آن دانشمند برجسته برای مشارکت‌های شگفت‌انگیزش در تحقیقات پزشکی، جایزه‌ای دریافت کرد.

۶۳. **(b)** به آرامی (با روشی آرام)
۶۴. **(d)** برجسته (معروف)
۶۵. **(a)** تأسیس کردن (شروع کردن چیزی مانند یک سازمان)
۶۶. **(d)** دانش آموزان باید قدر معلم‌هایشان را برای کمک و مهربانی‌شان بدانند. (سیاس گزار بودن برای)
۶۷. **(a)** من مکرراً به محسن گفته‌ام که با معلم‌هایش مؤدبانه حرف بزند. (به دفعات زیاد)
۶۸. **(b)** نسل‌های آینده ارزش‌های کنونی ما را اجرا خواهند کرد. (همه افراد تقریباً هم‌سن در یک جامعه)
۶۹. **(d)** او موافقت کرد که بخش‌هایی از کتاب خاطرات شخصی‌اش چاپ شود. (کتابی که در آن شما افکار و احساساتتان را ثبت می کنید)
۷۰. **(c)** مادر مرا به خاطر شکستن گلدان بخشید. (دست از عصبانی بودن از کسی کشیدن)
۷۱. **(b)** مهربانی، انرژی را در افراد سالخورده افزایش می دهد. (افزایش دادن یا بهبود دادن چیزی)
۷۲. **(d)** بچه‌ها به خاطر شنیدن خبر مرگ پدر بزرگشان، زیر گریه زدند. (ناگهان گریستن)
۷۳. **(a)** شکست (نبود موفقیت در انجام کاری)
۷۴. **(c)** کانایه (یک صندلی بلند با پشتی و دسته)
۷۵. **(b)** دامان (بخش جلوی بدنمان از کمر تا زانو، وقتی در وضعیت نشسته هستیم)
۷۶. **(c)** مغرور، سرافراز (احساس خرسندی کردن درباره چیزی که دارید یا انجام داده‌اید)
۷۷. **(a)** ارزش داشتن، سزاوار بودن (ارزش داشتن)
۷۸. **(d)** من او را بدون قید و شرط حمایت می کنم. (به هیچ شرایطی محدود و وابسته نبودن)
۷۹. **(c)** بلندتر حرف بزن. مادر بزرگم سخت شنوا است. (توانان برای خیلی خوب شنیدن)
۸۰. **(a)** او کاملاً به کارش متعهد است. (سخت کار کردن در چیزی، چون آن خیلی برای شما مهم است)
۸۱. **(c)** نوجوانان زیادی در کتابخانه انگلیسی مطالعه می کنند. (افرادی که بین ۱۳ و ۱۹ سال هستند)
۸۲. **(d)** من برای تدریس به دانش آموزانم از هیچ کاری دریغ نکردم. (انجام دادن هر آنچه که می توانید)
۸۳. **(e)** جبار باغچه بان اولین مدرسه را برای دانش آموزان ناشنوا در تبریز تأسیس کرد. (شروع کردن چیزی مانند یک سازمان)
۸۴. **(a)** او هیچ‌گاه دوستانش را برای کاری که انجام داده بودند نخواهد بخشید. (دست از عصبانی بودن از کسی کشیدن)
۸۵. **(hug)** در آلمان، مردم معمولاً هنگام ملاقات هم، یکدیگر را بغل می کنند.
۸۶. **(diary)** کتابی که در آن افکار یا احساساتتان یا آنچه که هر روز اتفاق افتاده است را ثبت می کنید، دفتر خاطرات نامیده می شود.
۸۷. **(diary)** من هر روز به مدت ۱۰ سال، افکار و احساساتم را در دفتر خاطراتم ثبت کرده‌ام.
۸۸. **(hearing)** آن‌ها باید بلندتر حرف بزنند، چون مادر بزرگشان سخت شنوا است.
۸۹. **(pigeon)** من نمی‌دانم چه طور به این کبوتر بچه غذا بدهم. آن را در حیاط پشتی‌ام پیدا کردم.
۹۰. **(burst)** وقتی امیر آن فیلم را دید، زیر گریه زد.
۹۱. **(sense)** بعضی از حیوانات مانند سگ‌ها حس بویایی بسیار خوبی دارند.
۹۲. **(boosts)** مهربانی، انرژی و نیرو را در افراد سالخورده افزایش می دهد.

۱۵۲. (d) do exercise (ورزش کردن)

۱۵۳. (a) go abroad (خارج رفتن)

۱۵۴. (c) not surprisingly (جای تعجب نیست)

۱۵۵. (d) by the way (راستی، در ضمن)

۱۵۶. (a) burst into tears (زیر گریه زدن)

۱۵۷. (b) sit on the sofa (نشستن روی کاناپه)

۱۵۸. (b) نقش، عملکرد

۱۵۹. (d) شترمرغ

۱۶۰. (b) پایین آوردن، کاهش دادن

۱۶۱. (d) تولید کردن

۱۶۲. (d) فرهنگ

Grammar

گرامر

قبل از حل سوالات معلوم و مجهول، ابتدا نگاهی به درس نامه آن بیندازید:

جملات مجهول

هرگاه ندانیم فاعل جمله کیست یا چیست، جمله را به شکل مجهول می‌آوریم، و برای این که بفهمیم گزینه تست، معلوم است یا مجهول، می‌توانیم به دو روش عمل کنیم: ۱) اگر جمله را معنی کردیم و دیدیم که به فارسی مجهول معنی می‌شود، به احتمال خیلی زیاد در انگلیسی هم مجهول است. ۲) اگر بعد از فعل گذرا (متعدی) مفعول نیامده باشد، جمله باید مجهول باشد.

برای مجهول کردن سه گام برمی‌داریم:

۱) بعد از حذف فاعل، مفعول را به ابتدای جمله می‌آوریم.

۲) با توجه به زمان جمله از فعل to be استفاده می‌کنیم. افعال to be عبارت‌اند از: am, is, are, was, were, be, being, been

۳) فعل را به صورت صفت مفعولی (p.p.) می‌آوریم.

به روش مجهول کردن زمان‌های حال ساده، گذشته ساده و حال کامل دقت کنید:

مثال	ساختار مجهول	زمان
The laptop is repaired. لپ‌تاپ تعمیر می‌شود.	am / is / are + p.p.	حال ساده I repair the laptop. من لپ‌تاپ را تعمیر می‌کنم.
The laptop was repaired. لپ‌تاپ تعمیر شد.	was / were + p.p.	گذشته ساده I repaired the laptop. من لپ‌تاپ را تعمیر کرده‌ام.
The laptop has been repaired. لپ‌تاپ تعمیر شده است.	have / has + been + p.p.	حال کامل (ماضی نقلی در فارسی) I have repaired the laptop. من لپ‌تاپ را تعمیر کرده‌ام.

۱۳۲. (d) جای تعجب نداشت که او جایزه را برد، زیرا ماه‌ها هر روز تمرین کرده بود.

۱۳۳. (b) میترا یک سازمان غیرانتفاعی تأسیس کرد که به کودکان در جوامع فقیر آموزش می‌دهد.

۱۳۴. (c) بعد از یک روز طولانی و خسته‌کننده، روی مبل دراز کشید و برنامه تلویزیونی مورد علاقه‌اش را تماشا کرد.

۱۳۵. (a) مربی سر بازیکنان فریاد زد که سریع‌تر بدوند، زیرا فقط چند دقیقه به پایان بازی باقی مانده بود.

۱۳۶. (c) از آنجایی که پدر بزرگم کم‌شنوا است، ما همیشه باید با صدای بلند صحبت کنیم تا بتواند ما را درک کند.

۱۳۷. (d) او آن قدر از دیدن بهترین دوستش بعد از سال‌ها خوشحال شد که او را محکم در آغوش گرفت و رها نمی‌کرد.

۱۳۸. (c) پسر کوچک روی پای مادرش نشست و به داستان قبل از خواب که او برایش می‌خواند گوش داد.

۱۳۹. (b) وقتی سگ گمشده‌اش را دید، شوکه شد و بلافاصله گریه‌اش گرفت.

۱۳۰. (d) کارمان بارها و بارها به در کوبید، به امید این که کسی صدایش را بشنود و در را برایش باز کند.

۱۳۱. (a) همیشه بخشیدن کسی که به تو آسیب رسانده آسان نیست، اما آرامش را به قلبت می‌آورد.

۱۳۲. (c) با وجود این که موقعیت استرس‌زا بود، او به آرامی مشکل را توضیح داد و به یافتن راه حل کمک کرد.

۱۳۳. (b) افروز هر شب در دفتر خاطراتش می‌نویسد و تمام اتفاقات مهم و احساسات روزش را ثبت می‌کند.

۱۳۴. (a) آن کشور به میراث فرهنگی غنی خود که نسل‌ها منتقل شده است، افتخار می‌کند.

۱۳۵. (d) بعد از سال‌ها سخت‌کوشی و فداکاری، نسرین بالاخره ارتقای شغلی را که واقعاً شایسته‌اش بود دریافت کرد.

۱۳۶. (d) مهم نیست که چه اشتباهاتی مرتکب می‌شود، مادرش او را بدون قید و شرط دوست دارد و حمایت می‌کند.

۱۳۷. (a) او همیشه مایل است به همکلاسی‌هایش کمک کند، هر وقت که در فهم یک درس دچار مشکل شوند.

۱۳۸. (c) spare no pains (از هیچ کاری دریغ نکردن)

۱۳۹. (d) make a noise (سروصدا کردن)

۱۴۰. (b) take temperature (اندازه‌گرفتن دمای بدن)

۱۴۱. (a) feel well (احساس خوبی داشتن)

۱۴۲. (b) grow older (بزرگ‌تر شدن)

۱۴۳. (c) care for elders (مراقبت کردن از افراد سالخورده)

۱۴۴. (a) handle things (از عهده کارها برآمدن)

۱۴۵. (d) love unconditionally (عشق‌ورزیدن به طور بی قید و شرط)

۱۴۶. (b) strong wind (باد شدید)

۱۴۷. (a) heavy rain (باران سنگین)

۱۴۸. (d) read a newspaper (روزنامه‌خواندن)

۱۴۹. (c) hard of hearing (سخت‌شنوا)

۱۵۰. (b) quick meal (غذای حاضری)

۱۵۱. (c) fast food (فست‌فود)

۱۶۳. (a) نامه دو ساعت پیش توسط پدرم پست شد.

چون بعد از فعل گذرای post (پست کردن) مفعول نیامده است، باید از فعل مجهول استفاده کنیم.

۱۶۴. (a) الف: آیا جاده‌ها امن هستند؟

ب: نه، هر سال صدها نفر در این جاده‌ها کشته می‌شوند.

چون بعد از فعل گذرای kill (کشتن) مفعول نیامده است، جمله باید مجهول شود. ضمن این که، برای اشاره به واقعیت، از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۱۶۵. (b) وقتی شش سالم بود به من یاد داده شد پینگ‌پنگ بازی کنم.

بعد از فعل گذرای teach (یاد دادن)، مفعول نیامده است؛ پس باید مجهول شود.

۱۶۶. (b) حافظ به عنوان یکی از معروف‌ترین شاعرهای ایرانی معروف در تمام دوران شناخته می‌شود.

بعد از فعل گذرای know (دانستن، شناختن) مفعول نیامده است؛ پس مجهول است.

۱۶۷. (b) الکل خیلی سال پیش توسط یک دانشمند ایرانی به نام رازی کشف شد.

بعد از فعل گذرای discover (کشف کردن)، مفعول نیامده است؛ پس مجهول است.

۱۶۸. (b) پنی سیلین خیلی سال پیش توسط الکساندر فلیمنگ کشف شد.

بعد از فعل گذرای discover (کشف کردن) مفعول نیامده است؛ پس مجهول است.

۱۶۹. (d) الف: مشکل چیست؟ ب: شیشه پنجره‌ها توسط پسرها شکسته شده است.

بعد از فعل گذرای break (شکستن) مفعول نیامده است؛ پس مجهول است.

۱۷۰. (c) من دو طوطی دارم. آن‌ها در قفس نگهداری می‌شوند.

بعد از فعل گذرای keep (نگه داشتن) مفعول نیامده است؛ پس مجهول می‌شود. ضمن این که، جمله قید زمان گذشته ندارد.

۱۷۱. (a) آیا می‌دانید که در کشور تاجیکستان فارسی صحبت می‌شود؟

چون بعد از فعل گذرای speak (صحبت کردن)، مفعول نیامده است، آن را به شکل مجهول می‌آوریم.

۱۷۲. (c) اولین رستوران‌های فست‌فود در شهر ما سی سال پیش باز شدند.

چون بعد از فعل گذرای open (باز کردن) مفعول نیامده است، باید آن را به شکل مجهول بنویسیم.

۱۷۳. (a) این کتاب به زبان‌های مختلف از جمله آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است.

با توجه به معنی از مجهول استفاده می‌کنیم. ضمن این که از زمان حال کامل برای بیان کاری که از گذشته تاکنون انجام شده استفاده می‌کنیم. به علاوه این که در گزینه (d) برای فاعل

مفرد book از فعل جمع (were) استفاده شده که این گزینه را غلط کرده است.

۱۷۴. (c) آن دختر کوچک دیشب توسط یک رهگذر نجات یافت.

با توجه به معنی و زمان جمله از گزینه C استفاده می‌کنیم.

۱۷۵. (c) زبان انگلیسی در بسیاری از کشورها صحبت می‌شود.

بعد از فعل گذرای speak (صحبت کردن) مفعول نیامده است؛ پس مجهول است.

۱۷۶. (c) تکالیف زیادی دیروز توسط برادرم انجام شد.

بعد از فعل گذرای do (انجام دادن) مفعول نیامده است؛ پس باید آن را به شکل مجهول نوشت. از طرفی هم homework یک اسم غیر قابل شمارش است که به صورت

مفرد می‌آید و باید با یک فعل مفرد همراه شود.

۱۷۷. (d) از قرن گذشته، اشعار نظامی به زبان‌های زیادی ترجمه شده‌اند.

بعد از فعل گذرای translate (ترجمه کردن)، مفعول نیامده است؛ بنابراین آن را به صورت مجهول می‌آوریم. ضمن این که since از علائم حال کامل است و فاعل جمله

هم به صورت جمع آمده است.

۱۷۸. (d) بعضی از کالاها هر ساله با سخت‌کوشی دانشمندان تولید می‌شود.

بعد از develop (تولید کردن)، مفعول نیامده است؛ پس باید مجهول شود. ضمن این که every year علامت زمان حال ساده است.

۱۷۹. (a) آپدا وقتی نمره‌اش را دید، زیر گریه زد.

burst into tears زیر گریه زدن

۱۸۰. (b) یک مهندس معروف پارسال دو خانه جدید در محله ما ساخت.

چون بعد از جای خالی مفعول آمده است، از فعل معلوم استفاده می‌کنیم. ضمن این که به خاطر قید گذشته last از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۱۸۱. (a) برنامه مورد علاقه من به مدت دو هفته توسط تلویزیون لغو شده است. نمی‌دانم چرا.

چون بعد از فعل گذرای cancel (لغو کردن)، مفعول نیامده است، باید از فعل مجهول استفاده کنیم. ضمن این که به خاطر for زمان حال کامل به کار می‌بریم.

۱۸۲. (a) هفته گذشته به دخترش برای جشن تولدش یک دوچرخه داده شد.

فعل give (دادن) یک فعل دومفعولی است و چون فقط یکی از مفعول‌هایش آمده است، به شکل مجهول درمی‌آید.

۱۸۳. (b) وقتی رافائل جوان به سبک لئوناردو نقاشی می‌کرد، او دعوت شد واتیکان را دوباره تزئین کند.

اولاً این که در جای خالی نیاز به فاعل داریم. ثانیاً با توجه به معنی از فعل مجهول استفاده می‌کنیم. ۱۸۴. (a) ما تقریباً آماده هستیم اولین سالگردمان را جشن بگیریم. از زمانی که رسیدیم پیشرفت زیادی به عمل آمده است.

بعد از فعل گذرای make (ساختن) مفعول نیامده است؛ پس باید مجهول شود. ضمن این که به خاطر since از زمان حال کامل استفاده می‌کنیم.

۱۸۵. (d) او یک رئیس خوب محسوب می‌شود. همه او را دوست دارند.

بعد از فعل گذرای consider (در نظر گرفتن)، مفعول نیامده است؛ پس مجهول است. ۱۸۶. (c) اگر به او شغل خوبی پیشنهاد شود، ممکن است مایل باشد به کشور دیگری نقل مکان کند.

فعل offer (پیشنهاد کردن) نیاز به دو مفعول دارد. اگر فقط یک مفعول بیاید، باید آن را به شکل مجهول نوشت.

۱۸۷. (a) این بسته شامل کتاب‌ها و یادداشت‌هایی است که اخیراً تحویل کتابخانه شده‌اند.

بعد از فعل گذرای deliver (تحویل دادن)، مفعول نیامده است؛ پس به شکل مجهول نوشته می‌شود.

گرامر Grammar

سؤال کوتاه (Tag Question)

سؤال کوتاه، همان «مگر نه؟ این‌طور نیست؟ باشه؟»هایی است که در انتهای جمله فارسی می‌آوریم تا شنونده حرف ما را تأیید کند و یا از مسئله‌ای کسب اطمینان کنیم. سؤال کوتاه در زبان انگلیسی داستان خودش را دارد.

نکات سؤال کوتاه در زبان انگلیسی:

① اگر جمله اصلی منفی باشد، سؤال کوتاه باید مثبت شود و بالعکس.

② سؤال کوتاه فقط از دو کلمه تشکیل شده است:

الف: فعل کمکی (در صورتی که منفی باشد باید حتماً به شکل مخفف نوشته شود).
ب: ضمیر فاعلی

۱۹۱. (b) خواهر شما امتحان را پاس کرده است، مگر نه؟

جمله اصلی مثبت است؛ بنابراین سؤال کوتاه باید منفی باشد. ضمن این که has به hasn't و sister به she تبدیل می شود.

۱۹۲. (b) حمید یک کلمه بد هم نمی گوید، مگر نه؟

جمله اصلی منفی است؛ بنابراین سؤال کوتاه باید مثبت باشد. does به doesn't و Hamid به he تبدیل می شود.

۱۹۳. (d) مادرم وقتی ناراحت است هرگز یک کلمه هم حرف نمی زند، این طور نیست؟

جمله اصلی به خاطر never منفی است؛ بنابراین سؤال کوتاه باید مثبت باشد. برای says از does و My mother از she استفاده می کنیم.

۱۹۴. (a) شنیده ام که همه چیز در باغ قهوه ای است، این طور نیست؟

جمله اصلی مثبت است؛ پس سؤال کوتاه منفی می شود. برای is از isn't و برای the garden از it استفاده می کنیم. (در این جور جملات، قسمتی که خبر اصلی را می دهد، جمله اصلی در نظر می گیریم.)

۱۹۵. (d) الف: شما تکالیفتان را انجام ندادید، مگر نه؟ ب: نه، انجام ندادم.

جمله اصلی منفی است؛ پس سؤال کوتاه را به شکل مثبت می آوریم. haven't را به شکل مثبت می آوریم و از خود you استفاده می کنیم.

۱۹۶. (d) الف: حمید به مدرسه نیامده است. شنیده ام که حالش خوب نیست، مگر نه؟

ب: اوه، بله. آنفلوآنزا گرفته است.

جمله اصلی منفی است؛ بنابراین سؤال کوتاه را به شکل مثبت می آوریم. is به isn't تبدیل می شود و خود he را هم در انتها می آوریم.

۱۹۷. (a) خواهرش هرگز مؤدبانه رفتار نمی کند، این طور نیست؟

به خاطر never، سؤال کوتاه را به شکل مثبت می آوریم. برای فعل زمان حال ساده behaves از does و برای sister از she استفاده می کنیم.

۱۹۸. (b) پدرم یک ماشین جدید خواهد خرید، این طور نیست؟

جمله اصلی مثبت است؛ پس سؤال کوتاه منفی می شود. برای will از won't و My father از he استفاده می کنیم.

۱۹۹. (a) دکترها دارند وضعیت سلامت او را بررسی می کنند، مگر نه؟

جمله اصلی مثبت است؛ بنابراین سؤال کوتاه منفی می شود. برای are از aren't و برای The doctors از they استفاده می کنیم.

۲۰۰. (b) علی همیشه دارد درباره خودش حرف می زند، مگر نه؟

جمله اصلی مثبت است؛ بنابراین سؤال کوتاه باید منفی باشد. برای is از isn't و برای Ali از he استفاده می کنیم.

۲۰۱. (a) لیلیا هرگز فراموش نمی کند به شما زنگ بزند، مگر نه؟

اولاً، never جمله را منفی کرده است؛ بنابراین سؤال کوتاه باید مثبت باشد. ضمن این که برای forgets از does استفاده می کنیم و Leila هم تبدیل به she می شود.

۲۰۲. (a) مدت طولانی می گذرد از زمانی که او را دیده ایم، مگر نه؟

s مخفف has است چون بعد از آن p.p. آمده است و مجهول هم نیست.

۲۰۳. (d) من ابره های زیادی را در آسمان می بینم. قرار است باران بیاید، این طور نیست؟

جمله اصلی مثبت است، پس سؤال کوتاه باید منفی باشد. is به isn't تبدیل می شود.

۲۰۴. (b) ناهید اتاق را تمیز خواهد کرد، مگر نه؟

چون در سؤال کوتاه از won't استفاده کرده است، باید در جمله اصلی از زمان آینده ساده مثبت استفاده کنیم.

۲۰۵. (a) امیر دیوار را خودش رنگ نکرد، مگر نه؟

چون جمله اصلی منفی است، سؤال کوتاه باید مثبت باشد و چون از didn't استفاده شده، در سؤال کوتاه، مثبت آن را می نویسیم. از طرفی هم Amir باید به ضمیر فاعلی he تبدیل شود.

۳ اگر جمله، قیدهای منفی ساز مانند little, never, hardly, rarely, few, none یا no داشت، سؤال کوتاه را به شکل مثبت می نویسیم.

خب، به طرز ساخت سؤال کوتاه در جدول زیر و نکات مربوط به آن دقت کنید:

سؤال کوتاه	توضیحات
Ali can speak Arabic very well, can't he?	خب، همان طور که دیدید، جمله اصلی مثبت است و سؤال کوتاه منفی شده است. فعل کمکی جمله can است که در سؤال کوتاه به صورت can't آورده شده است و به جای Ali هم از ضمیر فاعلی he استفاده کرده ایم.
The students aren't lazy, are they?	در این مثال، جمله منفی است و سؤال کوتاه باید مثبت نوشته شود.
Mina plays the piano perfectly, doesn't she?	plays. حال ساده است و در سؤال کوتاه برای زمان حال ساده از do و does استفاده می کنیم. به مثال بعدی هم توجه کنید!
These boys swim fast, don't they?	این پسرها سریع شنا می کنند، مگر نه؟
Sadegh never tells lies, does he?	never جمله را منفی می کند؛ بنابراین سؤال کوتاه باید به شکل مثبت نوشته شود.
There weren't any horses in the stable, were there?	اگر جمله با there شروع شده باشد، باید در سؤال کوتاه از خود there استفاده کنیم.
Sara read that book very carefully, didn't she?	تعدادی از افعال بی قاعده هستند که سه شکل گرامری یکسان دارند. اگر با فاعل سوم شخص آمدند و "s" سوم شخص مفرد نداشتند، گذشته محسوب می شوند و در سؤال کوتاه باید از did استفاده کنیم. افعالی مانند: cut, read, set hurt, put و غیره. کلاً برای گذشته ساده از did استفاده می کنیم.

۱۸۸. (d) خواهر علی هفته پیش تصادف کرد، این طور نیست؟

چون جمله اصلی مثبت است، سؤال کوتاه باید منفی باشد. ضمن این که برای فعل had، از فعل کمکی did استفاده می کنیم، و برای sister (خواهر) هم از she.

۱۸۹. (c) الف: بیا به سینما برویم، میای؟

ب: بسیار خوب. ایده خوبی است.

برای let's همیشه shall we می آوریم. (این نکته خارج از کتاب است.)

۱۹۰. (b) آن ها یک خانه جدید خواهند خرید، مگر نه؟

جمله اصلی مثبت است؛ بنابراین سؤال کوتاه باید منفی باشد. ضمن این که will به won't تبدیل می شود.



۲۱۸. (has been informed) عمومی من از تغییرات اخیر در اداراش باخبر شده است. به خاطر recent از زمان حال کامل استفاده می‌کنیم. ضمن این‌که بعد از فعل گذرای inform (اطلاع‌دادن)، مفعول نیامده است؛ پس باید آن را به شکل مجهول آورد.

۲۱۹. (has been stolen / was stolen) پول جک در قطار دزدیده شد. دزدیده شده است.

چون بعد از فعل گذرای steal (دزدیدن) مفعول نیامده است، از فعل مجهول استفاده می‌کنیم. ضمن این‌که به خاطر نداشتن قید زمان، می‌توانیم از زمان حال کامل یا گذشته ساده استفاده کنیم.

۲۲۰. (are kept) من دو طوطی دارم. آن‌ها در قفس نگاه‌داری می‌شوند. بعد از فعل گذرای keep (نگه‌داشتن)، مفعول نیامده است؛ پس آن را به شکل مجهول می‌آوریم. ضمن این‌که، برای بیان یک حقیقت از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۲۲۱. (were opened) اولین رستوران‌های فست‌فود سی سال پیش در شهر ما باز شدند. بعد از فعل گذرای open (بازکردن) خبری از مفعول نیست؛ پس باید آن را به شکل مجهول بیاوریم. به علاوه، به خاطر قید گذشته thirty years ago از مجهول زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۲۲۲. (was found) سارق هفته پیش توسط پلیس یافت شد. بعد از فعل گذرای find (پیداکردن) مفعول نیامده است؛ پس آن را به شکل مجهول می‌آوریم. به علاوه به خاطر قید گذشته last week از مجهول گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۲۲۳. (kept) کره همیشه در یخچال نگاه‌داری می‌شود. با توجه به معنی از مجهول استفاده می‌کنیم. هم‌چنین بعد از is قسمت سوم فعل را می‌آوریم.

۲۲۴. (was invented) اولین تلویزیون در سال ۱۹۲۴ توسط ببرد اختراع شد. بعد از فعل گذرای invent (اختراع کردن)، مفعول نیامده است؛ پس باید آن را به شکل مجهول بیاوریم. ضمناً به قید زمان گذشته هم دقت کنید.

۲۲۵. (was given) دیروز برای جشن تولد سینا، یک کتاب به او داده شد. بعد از فعل گذرای give (دادن) مفعول نیامده است؛ پس باید آن را به شکل مجهول بیاوریم. ضمن این‌که به قید زمان گذشته توجه کنید.

۲۲۶. (is felt) احساس می‌شود که منظومه شمسی ممکن است اجرام زیادی مانند سیاره پلوتو داشته باشد.

بعد از فعل مجهول feel نیامده است؛ پس مجهول می‌شود. ضمن این‌که با توجه به زمان جمله از مجهول زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۲۲۷. (was stolen) پاسپورت نیگل دیشب دزدیده شد. او باید به سفارت آمریکا در پاریس برود.

بعد از فعل گذرای steal (دزدیدن)، مفعول نیامده است؛ پس مجهول است. ضمن این‌که به خاطر last از مجهول گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۲۲۸. (are located) خورشید و زمین در کهکشان ما، راه شیری، واقع شده‌اند. «واقع شدن» را به صورت مجهول می‌گوییم. به علاوه، برای بیان واقعیت علمی از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۲۲۹. (was founded) شرکت بی‌ام‌و در سال ۱۹۱۶ تأسیس شد و ساختمان‌های مرکزی آن در باواریا در مونیخ واقع هستند.

found (تأسیس کردن) یک فعل گذرا است، ولی با مفعول همراه نشده است؛ بنابراین آن را به شکل مجهول می‌آوریم. ضمن این‌که به خاطر قید زمان گذشته از مجهول گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۲۰۶. (a) آن یک سیاره دیگر در منظومه شمسی است، مگر نه؟

در این‌جا 's مخفف is است و جمله اصلی مثبت هم است؛ بنابراین در سؤال کوتاه از isn't استفاده می‌کنیم. ضمن این‌که، that هم تبدیل به it می‌شود.

۲۰۷. (a) خواهر امیر امتحان را قبول شده است، مگر نه؟

جمله اصلی مثبت است؛ بنابراین سؤال کوتاه باید منفی باشد. ضمن این‌که فعل کمکی has باید تبدیل به 't hasن و sister هم به she تبدیل می‌شود.

۲۰۸. (d) آن دانش‌آموزانی که در آزمون کتبی موفق هستند برای مصاحبه دعوت خواهند شد، این‌طور نیست؟

یادمان باشد سؤال کوتاه را برای جمله موصولی به کار نمی‌بریم. will به 't won و Those students به they تبدیل می‌شود.

۲۰۹. (b) دختر شما هنگام دیدن در پارک آسیب دید، مگر نه؟

چون hurt با فاعل سوم شخص مفرد آمده است و s ندارد، گذشته محسوب می‌شود و در سؤال کوتاه از didn't استفاده می‌کنیم. ضمن این‌که Your daughter به she تبدیل می‌شود.

۲۱۰. (d) وقتی به آن‌جا رسیدم، دوستانم متیو استقبال گرمی از من کرد، مگر نه؟

سؤال کوتاه را برای جمله پایه می‌آوریم. برای gave از didn't و Mathew از he استفاده می‌کنیم.

۲۱۱. (a) مطمئنم که این نمی‌تواند درست باشد، مگر نه؟

برای can't از can و برای this از it استفاده می‌کنیم.

۲۱۲. (is served) رستورانی را می‌شناسم که در آن انواع غذاهای دریایی سرو می‌شود. بعد از فعل گذرای serve (سرو کردن)، مفعول نیامده است؛ بنابراین باید آن را به شکل مجهول نوشت. ضمن این‌که، برای اشاره به یک حقیقت از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۲۱۳. (was said) زمانی که من داشتم با او حرف می‌زدم، چیزی درباره آن گفته نشد. بعد از say مفعول نیامده است؛ پس باید مجهول شود. ضمن این‌که، زمان جمله گذشته است.

۲۱۴. (is spoken) زبان فارسی در ایران، تاجیکستان و افغانستان صحبت می‌شود. بعد از فعل گذرای speak (صحبت کردن)، مفعول نیامده است؛ بنابراین باید مجهول شود. ضمن این‌که، برای اشاره به یک واقعیت از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۲۱۵. (have been invited) آیا می‌دانید که تولد جاوید همین جمعه است؟ شما به جشن تولد او دعوت شده‌اید، مگر نه؟

در سؤال کوتاه از haven't استفاده شده است؛ بنابراین فعل باید به صورت حال کامل مثبت نوشته شود. ضمن این‌که، فعل جمله مجهول است.

۲۱۶. (are created) هر ساله، تعدادی از اختراعات تصادفاً یا با اشتباهات دانشمندان ساخته می‌شود.

بعد از فعل گذرای create (ساختن)، مفعول نیامده است؛ پس باید مجهول شود. ضمن این‌که، به خاطر قید every year از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۲۱۷. (are developed) بسیاری از محصولات مانند لامپ، دوربین و تلفن هر ساله ساخته می‌شوند.

بعد از فعل گذرای develop (ساختن)، مفعول نیامده است؛ پس باید مجهول شود. ضمن این‌که، به خاطر each year از مجهول حال ساده استفاده می‌کنیم. حواستان هم باشد که products جمع است و باید با فعل جمع بیاید.



۲۴۵. (let) معلم به دانش‌آموزان اجازه داد در کلاس بازی کنند، مگر نه؟
به خاطر **didn't**، باید از زمان گذشته ساده مثبت استفاده کنیم.

۲۴۶. (speaks) دیورا به ندرت در جمع حرف می‌زند، مگر نه؟

به خاطر **does**، باید از زمان حال ساده استفاده کنیم. ضمن این که به خاطر **hardly ever** نیازی نیست که از فعل منفی استفاده کنیم چون خودش جمله را منفی می‌کند.

۲۴۷. (will not / won't improve) هوا بهتر نخواهد شد اگر ما این‌جا بنشینیم و به بیرون از پنجره نگاه کنیم، مگر نه؟

به خاطر **will** از زمان آینده ساده منفی استفاده می‌کنیم.

۲۴۸. **My brother went to the library, but he didn't study at all.**
برادر من به کتابخانه رفت، ولی اصلاً درس نخواند.

۲۴۹.

A lot of workers have been employed during the last five years.
کارگران زیادی در طول پنج سال گذشته استخدام شده‌اند.

۲۵۰. **Were camera and light bulb invented by scientists?**

آیا دوربین و لامپ توسط دانشمندان اختراع شدند؟

۲۵۱. **Language has been studied for many years.**

زبان برای سال‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲۵۲.

A new medicine has been made by doctors to cure cancer.
یک داروی جدید توسط پزشکان برای معالجه سرطان ساخته شده است.

۲۵۳. **I asked a question, so my teacher replied.**

من یک سؤال پرسیدم، بنابراین معلم پاسخ داد.

۲۵۴. **Mary studies a lot, but she cannot pass the exam.**

ماری زیاد درس می‌خواند، اما نمی‌تواند آن امتحان را پاس کند.

۲۵۵. **Reza is in hospital, so he cannot attend the class.**

رضا در بیمارستان است، بنابراین نمی‌تواند در کلاس شرکت کند.

۲۵۶. **Solutions to problems are found by scientists.**

راه‌حل‌های مسائل توسط دانشمندان یافت می‌شوند.

۲۵۷.

He is called Hafez because he learned the Holy Quran by heart.
او حافظ نامیده می‌شود چون قرآن کریم را از حفظ یاد گرفت.

۲۵۸. **?Is it very important for us to respect our elders**

آیا احترام گذاشتن به افراد سالخورده‌مان برای ما خیلی مهم است؟

۲۵۹. **The vase was broken by the boy yesterday**

آن گلدان دیروز توسط آن پسر شکسته شد.

۲۶۰. **Yes, he was caught by the police.**

بله، او توسط پلیس دستگیر شد.

۲۶۱. **Japanese is spoken in this country.**

زبان ژاپنی در این کشور صحبت می‌شود.

۲۶۲. **Two shirts have been washed.**

دو پیراهن شسته شده است.

۲۶۳. **چه کاری توسط آن مرد جمعه گذشته انجام شد؟**

The car was fixed by the man last Friday / was fixed last Friday by the man.

ماشین توسط آن مرد در جمعه گذشته تعمیر شد.

۲۳۰. (been informed) آیا از افزایش اخیر باخبر شده‌اید؟

اولاً این که با توجه به معنی جمله باید فعل مجهول بیاوریم. ثانیاً به خاطر **have** که این‌جا نشانه حال کامل است، از **been** همراه با **p.p.** استفاده می‌کنیم.

۲۳۱. (has been eaten) از زمانی که مادرشان آن‌ها را تنها گذاشت، همهٔ کیک توسط بچه‌های گرسنه خورده شده است.

بعد از جای خالی مفعول نداریم؛ پس جمله را باید به صورت مجهول بنویسیم. ضمن این که، **since** از علائم زمان حال کامل است، و این که **cake** مفرد می‌باشد.

۲۳۲. (is known) معلوم شده است که سیگار کشیدن خطر ابتلا به سرطان ریهٔ شخص را افزایش می‌دهد.

«معلوم شده است» را به صورت مجهول می‌آوریم و چون این مسئله یک امر علمی است، باید از زمان حال ساده استفاده کنیم.

۲۳۳. (can open) پسر کوچک می‌تواند جعبه را باز کند، مگر نه؟

سؤال کوتاه منفی است؛ بنابراین جمله باید مثبت باشد. ضمن این که همیشه فعل کمکی سؤال کوتاه از جملهٔ اصلی گرفته می‌شود.

۲۳۴. (seems) به نظر می‌رسد هوا امروز نسبتاً سرد باشد، مگر نه؟

سؤال کوتاه منفی است؛ بنابراین جملهٔ اصلی باید مثبت باشد، و چون از **doesn't** استفاده کرده، فعل جمله باید زمان حال ساده داشته باشد.

۲۳۵. (came) دیشب پدرم خیلی دیر به خانه آمد، مگر نه؟

در سؤال کوتاه **didn't** داریم، پس زمان فعل جمله باید گذشته ساده مثبت باشد.

۲۳۶. (decides) او همیشه تصمیم می‌گیرد کارها را در آخرین لحظه انجام دهد، مگر نه؟
در سؤال کوتاه **doesn't** آمده است؛ پس فعل جمله باید حال ساده مثبت باشد.

۲۳۷. (was) می‌دانم، اما هفتهٔ پیش غایب بودم، این‌طور نیست؟ من اکنون سؤالات زیادی دارم.

در سؤال کوتاه **wasn't** داریم؛ بنابراین در جمله باید از **was** استفاده کنیم.

۲۳۸. (won't buy) مادر جو یک ماشین جدید نخواهد خرید، این‌طور نیست؟

در سؤال کوتاه **will** داریم؛ بنابراین در جملهٔ اصلی باید از منفی آن استفاده کنیم.

۲۳۹. (feeds) او هر روز صبح به کیوترها غذا می‌دهد، مگر نه؟

در سؤال کوتاه **doesn't** داریم؛ بنابراین در جملهٔ اصلی باید از زمان حال ساده مثبت استفاده کنیم.

۲۴۰. (did) من هرگز تکالیفم را در کلاس انجام نمی‌دادم، مگر نه؟

در سؤال کوتاه **did** آمده است و به خاطر قید منفی **never** باید از فعل زمان گذشته ساده مثبت استفاده کنیم.

۲۴۱. (cuts) مادرم وقتی با چاقو کار می‌کند هرگز انگشتش را نمی‌بزد، مگر نه؟

در سؤال کوتاه از **does** استفاده شده؛ بنابراین در جملهٔ اصلی از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم. ضمن این که **never** جمله را منفی کرده است.

۲۴۲. (respect) مردم به یکدیگر در مهمانی احترام می‌گذارند، مگر نه؟ در سؤال کوتاه **don't** آمده است؛ پس فعل جمله باید زمان حال ساده مثبت باشد.

۲۴۳. (was caught) سارق دو ماه پیش توسط پلیس دستگیر شد، مگر نه؟

در سؤال کوتاه از **wasn't** استفاده شده است؛ بنابراین در جملهٔ اصلی به **was** نیاز داریم و چون فعل جمله مجهول است، از قسمت سوم فعل هم استفاده می‌کنیم.

۲۴۴. (fly) این پرندگان هرگز در طول شب پرواز نمی‌کنند، می‌کنند؟

در سؤال کوتاه **do** داریم؛ بنابراین در جملهٔ اصلی باید از زمان حال ساده استفاده کنیم. ضمن این که خود **never** جمله را منفی کرده است و نیازی نیست که فعل جمله را منفی بنویسیم.

منفی بنویسیم.



۲۶۴. الف؛ چه کاری توسط آن مرد انجام می‌شود؟

The car is washed by the man.

ب؛ آن ماشین توسط آن مرد شسته می‌شود.

۲۶۵. آن پسر دیشب چه کار کرد؟

The dinner was eaten by the boy last night.

شام دیشب توسط آن پسر خورده شد.

۲۶۶. (c) سالمندان چیزهای زیادی دارند تا با ما به اشتراک بگذارند، مانند تجارب زندگی‌شان، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و خیلی چیزهای دیگر؛ بنابراین ما باید به آن‌ها توجه کنیم، چون آن‌ها استحقاق مورد توجه قرارگرفتن را دارند. احترام و توجه به سالمندان باید از سالمندانمان شروع شود، چون آن‌ها اولین معلم‌های ما در زندگی‌مان هستند.

ما باید به سالمندانمان توجه کنیم، چون آن‌ها تجارب زندگی‌شان را با ما به اشتراک می‌گذارند.

۲۶۷. (d) اگر امروز به افراد سالخورده‌مان احترام بگذاریم، نسل‌های کنونی و آینده‌ما آن ارزش‌ها را به همراه خواهند داشت و یاد خواهند گرفت که وقتی پیر شدیم به ما هم احترام بگذارند. وقتی به افراد سالخورده احترام می‌گذاریم، بچه‌های ما یاد می‌گیرند که به ما احترام بگذارند.

۲۶۸. (c) ما باید مراقب کسانی باشیم که زمانی از ما مراقبت کردند. همه ما می‌دانیم که چه‌طور والدین از بچه‌هایشان برای هر چیز کوچک مراقبت می‌کردند. بچه‌ها باید عاشق آن‌ها باشند، به آن‌ها احترام بگذارند و از آن‌ها مراقبت کنند. ما باید مراقب والدین باشیم، چون آن‌ها پیش‌تر این کار را برای ما کرده‌اند.

۲۶۹. (d) شما شاید همه فراز و نشیب‌هایی که والدینمان در زندگی با آن‌ها مواجه شده‌اند را بدانید یا ندانید، اما آن‌ها تجربه‌ای کسب کرده‌اند که ارزش احترام‌گذاشتن و یادگیری از آن را دارد. چیزهای باارزشی برای یادگیری از والدینمان وجود دارد. ۲۷۰. (b) دکتر قریب هم‌چنین یک انسان سخاوتمند بود. او از هیچ کاری برای درمان بچه‌های بیمار دریغ نمی‌کرد. او با خانواده‌های فقیر بسیار صمیمی و دستگیر است. او تلاش کرد بچه‌های بیمار را معالجه کند و به مردم فقیر کمک کرد.

۲۷۱. (b) ایجاد پرسش یک راهبرد برای درک مطلب است که در آن خوانندگان سؤالات معناداری درباره نکات مهم یا ایده‌های اصلی یک متن را مطرح کرده و پاسخ می‌دهند. ایجاد پرسش شامل مطرح کردن و پاسخ دادن به سؤالات مهم درباره ایده‌های اصلی، توسط خوانندگان است.

۲۷۲. (a) حافظ به عنوان الهام‌بخش بسیاری از شاعران و نویسندگان در سراسر جهان شناخته می‌شود. بسیاری از نویسندگان در سراسر جهان تحت تأثیر حافظ بوده‌اند.

۲۷۳. (d) حافظ بیشتر به خاطر نوع خاصی از شعر به نام غزل به یاد آورده می‌شود. در غزل‌ها، احساسات و اخلاقیات بسیار استفاده می‌شوند. غزل‌ها اشعاری هستند که غالباً احساسات و اخلاقیات را شامل می‌شوند.

۲۷۴. (c) جالب‌تر این که برخی ابزارها و فناوری‌ها اصلاً توسط دانشمندان ساخته نشده‌اند. برخی از جمله ماشین‌های ظرفشویی و بازی‌های کامپیوتری توسط افراد عادی مانند کارگران، خانم‌های خانه‌دار و دانش‌آموزان ساخته شده‌اند. افراد معمولی، نه فقط دانشمندان، برخی از ابزارها و فناوری‌ها را ساختند.

۲۷۵. (b) مورد مهم دیگر میراث و فرهنگ ما است. ما چیزهای زیادی داریم که از والدینمان درباره میراثان بیاموزیم تا به گذشته خود افتخار کنیم.

والدینمان می‌توانند درباره میراثان به ما آموزش دهند و این به ما اجازه می‌دهد که به تاریخمان افتخار کنیم.

۲۷۶. (d) بزرگان ما بهترین‌ها را برای ما می‌خواهند و مایلند به ما بگویند چه مجموعه قوانین و دستورالعمل‌هایی آن‌ها را موفق و به‌طور امیدبخشی، آرام کرده است.

بزرگان آرزو دارند که ما دستورالعمل‌هایی که آن‌ها را به موفقیت و آرامش رسانده است، به کار بگیریم.

۲۷۷. (a) سالخورده‌گان چیزهای زیادی برای به اشتراک گذاشتن با ما دارند: تجربیات زندگی‌شان، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و بسیاری چیزهای دیگر. سالخورده‌گان توانایی به اشتراک گذاشتن تجربیات مختلف زندگی خود، اعم از جنبه‌های مثبت و منفی، با ما را دارند.

۲۷۸. (c) ما باید از کسانی که زمانی از ما مراقبت می‌کردند، مراقبت کنیم. همه ما می‌دانیم که والدین چگونه برای هر چیز کوچکی از فرزندان خود مراقبت می‌کردند. کودکان باید آن‌ها را دوست بدارند، به آن‌ها احترام بگذارند و از آن‌ها مراقبت کنند. کودکان باید قدران والدین خود باشند و همان‌طور که والدینشان از آن‌ها مراقبت کردند، از والدینشان مراقبت کنند.

۲۷۹. (b) راستی، ممکن است جالب باشد بدانید که پزشک شما یکی از شاگردان دکتر غریب بوده است!

در برهه‌ای از زمان، پزشک شما توسط دکتر غریب آموزش دیده بود.

۲۸۰. (a) یک همایند دو یا چند کلمه است که اغلب با هم می‌آیند. همایندها به ما می‌گویند که کدام کلمات می‌توانند قبل یا بعد از کلمات دیگر بیایند. همایندها جفت‌ها یا گروه‌هایی از کلماتی هستند که اغلب با هم ظاهر می‌شوند.

ترجمه متن ۱

معلم‌ها بخش مهمی از زندگی ما هستند. آن‌ها خیلی بیشتر از خواندن و نوشتن به ما می‌آموزند. آن‌ها به ما درس‌های زندگی می‌دهند و [هم‌چنین] به ما کمک می‌کنند کشف کنیم که چه کسی هستیم و چه‌طور موفق شویم.

قدرشناسی از معلم‌هایی که به شغلشان متعهد هستند، مهم است. حتی اگر احساس می‌کنید تکالیف و امتحانات خیلی زیادی دارید، کمی وقت بگذارید و به این که چه‌قدر معلم‌هایتان مهم هستند فکر کنید. بدون آن‌ها، شما جایی که امروز هستید، نبودید.

تدریس نیاز به زمان، آمادگی و تلاش زیادی دارد. بیرون از کلاس، معلم‌ها طرح درس می‌نویسند، امتحان طراحی می‌کنند و به آزمون‌ها نمره می‌دهند. آن‌ها هم‌چنین در کنفرانس‌ها و جلسات آموزشی شرکت می‌کنند تا ابزار و روش‌هایی برای کمک به موفقیت دانش‌آموزان بیابند.

معلم‌ها در موضوعات خاصی که تدریس می‌کنند، بسیار باسواد هستند. با وجود این، توانایی برای تدریس مؤثر، یک فرد مفید و متعهد می‌خواهد. تدریس آن‌ها را ملزم می‌کند که در مورد پیشرفت‌های زمینه مطالعه‌شان به‌روز باشند. آن‌ها سرشان با انواع زیادی از مسئولیت‌ها شلوغ است.

معلم‌ها باید مطمئن شوند که اسم همه دانش‌آموزانشان را می‌دانند و باید آن‌ها را به سرعت یاد بگیرند. یک روش داشتن یک کلاس پرزاده، یادگرفتن اسم دانش‌آموزان است. این مقاله به شما مقداری بیش نسبت به سخت‌کوشی و فداکاری‌ای که معلم‌های شما هر روز در مدرسه می‌کنند، داده است؛ بنابراین دفعه بعد که معلم‌هایتان را می‌بینید، به آن‌ها بگویید که قدر کمک آن‌ها را می‌دانید.

۲۸۱. معلم‌ها برای پیدا کردن ابزار و روش‌هایی برای این که به دانش‌آموزانشان کمک کنند موفق شوند، چه می‌کنند؟

They attend conference and training sessions to find tools and ways to help their students succeed.

آن‌ها در کنفرانس‌ها و جلسات آموزشی شرکت می‌کنند تا ابزار و روش‌هایی برای کمک به موفقیت دانش‌آموزانشان بیابند.



والدیتان وقت، انرژی و نیروی خود را صرف می‌کنند تا مطمئن شوند که شما آن چه که نیاز دارید یا می‌خواهید را دارید. گفتن این که شما از آن‌ها سپاس‌گزارید، سطح احترام شما را به آن‌ها نشان می‌دهد.

راحت‌ترین راه برای نشان دادن عشق و احترامات این است که به آن‌ها بگویید که شما قدر کسی که آن‌ها هستند و کاری که می‌کنند را می‌دانید. شما همچنین می‌توانید کاری کوچک اما معنادار انجام دهید، برای مثال، ظرف‌ها را بشوید، بعد از شام آشپزخانه را تمیز کنید یا اتاق‌ها را تمیز کنید. والدیتان توجه و از لطف شما قدردانی خواهند کرد. همچنین می‌توانید به مادران بگویید که چه قدر خوب آشپزی می‌کنند، یا به پدرتان بگویید چه قدر در کارش عالی است. برای بیشتر والدین، هر کدام از این کارهای کوچک می‌تواند نشانه احترام باشد.

۲۹۱. (True) (درست) ما به آن‌هایی که به دلایلی برای ما مهم هستند احترام می‌گذاریم.

۲۹۲. (False) (نادرست) اگر بی‌ادب باشید یا با مردم بدرفتاری کنید، آن‌ها احساس مهم‌بودن می‌کنند.

۲۹۳. (d) ما با مؤدب‌بودن با آن‌هایی که برای ما اهمیت دارند **احترام‌مان** را نشان می‌دهیم.

۲۹۴. (a) گفتن به والدیتان که شما از آن‌ها متشکر هستید سطح احترامات را برای آن‌ها **نشان می‌دهد**.

۲۹۵. راحت‌ترین راه برای نشان دادن عشق و احترامات به والدیتان چیست؟

The easiest way to show our love and respect to our parents is **to tell them that we appreciate who they are and what they do**.

راحت‌ترین راه برای نشان دادن عشق و احترامات به والدینمان این است که به آن‌ها بگوییم که ما قدر کسی که آن‌ها هستند و کاری که می‌کنند را می‌دانیم.

۲۹۶. آیا انجام کارهای خوب کوچک می‌تواند احترام شما را به والدیتان نشان دهد؟ (یک مثال بزنید.)

Yes, it can. For example, washing the dishes / cleaning the kitchen / cleaning the rooms.

بله، می‌تواند. برای مثال، شستن ظرف‌ها / تمیز کردن آشپزخانه / تمیز کردن اتاق‌ها.

ترجمه متن ۴

پابلو پیکاسو یک هنرمند برجسته بود. او در ۲۵ اکتبر سال ۱۸۸۱ در اسپانیا متولد شد. پدرش یک نقاش و معلم هنر بود. او به پدرش کمک کرد تا توانایی هنری‌اش را بهبود بخشد. وقتی پیکاسو ۱۰ سالش بود، خانواده‌اش به بارسلونا در اسپانیا نقل مکان کردند، جایی که پیکاسو برای حضور در یک هنرستان محبوب آزمون داد. آزمون قرار بود یک ماه طول بکشد، اما بسیار شگفت‌آور بود که پیکاسو آن را در یک روز تمام کرد.

چند سال بعد، او به مدرسه دیگری در مادرید رفت. او از آموزش‌های قدیمی هنرستان خسته شده بود و نمی‌خواست مانند مردم صدها سال پیش نقاشی بکشد. او واقعا می‌خواست چیز جدیدی خلق کند. به پاریس نقل مکان کرد، جایی که به عنوان یک هنرمند کار کرد و طراحی‌های شگفت‌انگیزش را خلق کرد. در طول این زمان، او آثار معروف دوره آبی‌اش را خلق کرد. در سال ۱۹۰۷، پیکاسو یک نقاشی کشید که به اولین نقاشی در نهضت هنری مدرن شناخته شده است. هنرمندان سراسر جهان برای دیدن این نقاشی به آن‌جا سفر کردند. در سال ۱۹۰۷، پیکاسو شروع به آزمایش کردن با یک سبک جدید نقاشی کرد. او برای خلق سبک کوبیسم معروف است. یکی از جالب‌ترین مسائل درباره پیکاسو این است که او اولین هنرمندی بود که در طول عمر خودش معروف بود. او یکی از مهم‌ترین هنرمندان قرن بیستم بود. او در هشتم آوریل سال ۱۹۷۳ از دنیا رفت.

۲۸۲. (c) واژه "essential" در خط اول به چه معناست؟ **ضروری**

۲۸۳. (d) واژه "them" به چه چیزی اشاره دارد؟ **نام دانش‌آموزان**

۲۸۴. (False) (نادرست) معلم‌ها فقط وقتی در مدرسه هستند، پرمشغله‌اند.

۲۸۵. (False) (نادرست) تنها چیزهایی که دانش‌آموزان در مدرسه یاد می‌گیرند، خواندن و نوشتن است.

نکته: اکثر مواقع **only** باعث غلط‌شدن گزینه می‌شود!

ترجمه متن ۲

بعضی افراد ترجیح می‌دهند به طور مستقیم به نیازمندان کمک کنند و آن‌ها را مورد حمایت قرار دهند. با وجود این، سایرین ترجیح می‌دهند به سازمان‌های خیریه ملی و بین‌المللی پول بدهند. دادن پول به نیازمندان می‌تواند یک تجربه شخصی خوب باشد، اما شما می‌توانید از بین اهدای ملی و بین‌المللی از طریق خیریه‌ها یا اهدای مستقیم به نیازمندان اطرافتان انتخاب کنید.

یکی از مزایای حمایت مستقیم کردن این است که شما می‌توانید دقیقاً بفهمید که پولتان چه‌طور خرج می‌شود. **مزیت** دیگر این است که می‌توانید اثرات آن را روی اشخاصی که به آن‌ها کمک می‌کنید ببینید، که می‌تواند نه تنها باعث شادی شخصی زیادی شود، بلکه باعث کسب احترام در طرف به سائیرینی می‌شود که کاری که انجام می‌دهید را ارج می‌نهند. مزیت‌هایی در اهدا کردن به خیریه‌هایی که ملی و بین‌المللی هستند، وجود دارد. اولین و بهترین، کمک کردن در مسائلی است که اهمیت جهانی دارند، مانند درمان بیماری‌ها و حقوق بشر یا کمک به آن‌هایی که در رویدادهای زیست‌محیطی بد مانند زلزله و سیل قرار دارند.

در نتیجه، شخص باید انتخاب خودش را در کمک کردن به دیگران داشته باشد. نکته مهم این است که ما هم‌چنان به آن‌هایی که نسبت به خودمان نیاز بیشتر دارند، کمک می‌کنیم. **۲۸۶.** وقتی که شما اثرات کمک‌تان را روی افرادی که به آن‌ها کمک کرده‌اید می‌بینید، چه می‌شود؟

It can lead not only to great personal happiness, but also to respect from others who appreciate the work you do.

نه تنها می‌تواند باعث شادی شخصی زیادی شود، بلکه باعث کسب احترام از طرف سائیرینی می‌شود که کاری که انجام می‌دهید را ارج می‌نهند.

۲۸۷. نکته مهم در کمک به دیگران چیست؟

The important point is that we continue to give to those who are more in need than ourselves.

نکته مهم این است که ما هم‌چنان به آن‌هایی که نسبت به خودمان نیاز بیشتری دارند، کمک می‌کنیم.

۲۸۸. (b) نزدیک‌ترین مترادف واژه "benefit" چیست؟ **مزیت**

۲۸۹. (True) (درست) کمک کردن به مردم در رویدادهای زیست‌محیطی، اهمیت جهانی دارد.

۲۹۰. (True) (درست) همه مردم احساس شادی شخصی زیادی می‌کنند وقتی به سائیرین کمک می‌کنند.

ترجمه متن ۳

احترام روش خوب رفتار کردن یا خوب فکر کردن درباره چیزی یا کسی است. شما به آن‌هایی که برایتان مهم هستند، احترام می‌گذارید. شما با مؤدب و مهربان بودن احترامات را نشان می‌دهید. اگر با مردم بی‌ادب باشید یا بد رفتار کنید، آن‌ها ممکن است احساس ناراحتی یا عصبانیت کنند. اما به چه کسی باید بیشترین احترام را بگذارید؟

شما باید از آن‌هایی که همیشه از شما مراقبت می‌کنند، مراقبت کنید. شما می‌دانید که والدیتان برای هر چیز کوچکی از شما مراقبت می‌کنند. شما باید عاشق آن‌ها باشید، به آن‌ها احترام بگذارید، و از آن‌ها مراقبت کنید. علاوه بر این که شما را به این دنیا آوردند،

۳۰۸. (True) (درست) معلم‌ها تجاربشان را با ما به اشتراک می‌گذارند.

۳۰۹.

... paying attention during lessons and following classroom rules.

دانش‌آموزان می‌توانند با توجه‌کردن در طول درس‌ها و پیروی از قوانین کلاس احترامشان را به معلم‌ها نشان دهند.

... go far beyond their duties.

۳۱۰.

معلم‌های دلسوز به یک الگو برای دانش‌آموزان تبدیل می‌شوند زیرا بسیار فراتر از وظایفشان می‌روند.

ترجمه متن ۷

قبل از اهدای خون، اهداکنندگان متحمل یک آزمایش پزشکی کوچک می‌شوند تا مطمئن شوند سالم هستند و اهداکردن برای آن‌ها بی‌خطر است. این شامل اندازه‌گیری‌های فشار خون و کامل کردن یک پرسش‌نامه سلامت می‌شود. سپس، خون در یخ قرار می‌گیرد و برای پردازش همراه با آزمایش‌های خون و سوابق اهداکننده - که در سراسر این فرایند ناشناس نگه داشته می‌شوند - به مراکز خدمات خون برده می‌شوند. در این‌جا خون اهداشده در سانتریفیوژ چرخانده می‌شود تا آن را به سه ترکیب سازنده، یعنی گلبول‌های قرمز، پلاکت‌ها و پلاسما جدا کنند.

گلبول‌های قرمز برای بافت‌های بدن اکسیژن فراهم می‌کنند و برای مداوای بیمارانی که به خاطر خونریزی یا کم‌خونی شدید مقدار زیادی خون از دست داده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرند. بعد از زودن تمام گلبول‌های سفید رسوب کرده، گلبول‌های قرمز تا ۴۲ روز در یخچال نگهداری می‌شوند تا این که مورد نیاز یک بیمار قرار گیرند.

محصول دوم، پلاکت‌ها هستند. این‌ها سلول‌های خونی بسیار کوچکی هستند که برای جلوگیری از خونریزی و متوقف کردن خونریزی، حیاتی هستند. آن‌ها برای مداوای بیمارانی با تعداد پلاکت بسیار پایین مانند آن‌هایی که شیمی‌درمانی می‌کنند، یا سرطان خون دارند تجویز می‌شوند. بعد از برداشتن گلبول‌های سفید، پلاکت‌های جداشده حداکثر تا پنج روز در دمای اتاق ذخیره می‌شوند.

سومین جزء، پلاسما است که بخش کوچک رنگی خون است که هیچ سلولی ندارد. پلاسما برای مداوای تعداد زیادی از بیماری‌ها شامل سوختگی‌ها و بیماری کبد استفاده می‌شود. بعد از فرآوری کردن و زمانی که فرآورده‌های خونی مورد نیاز واقع می‌شوند، آن‌ها به بیمارستان‌هایی توزیع می‌شوند که مخازن خون دارند، جایی که آن‌ها تا زمانی که برای نجات جان یک نفر مورد نیاز واقع شوند، به صورت آماده‌باش نگهداری می‌شوند.

Features / Diseases	Red Cells	Platelets	Plasma
311. stored up to 42 days	✓		
312. blood cancer		✓	
313. liver infection			✓
314. frozen up to 12 months			
315. severe anaemia	✓		

۲۹۷. (False) (نادرست) پیکاسو یک نقاش معروف فرانسوی در طول قرن ۱۸ بود.

۲۹۸. (True) (درست) وقتی پیکاسو جوان هم بود، در نقاشی کردن بسیار ماهر بود.

۲۹۹. (c) کلمه مشخص شده "He" در خط دوم به پدر پیکاسو اشاره دارد.

۳۰۰. (d) برای پیکاسو فقط یک روز طول کشید تا آزمونش را برای حضور در هنرستان در بارسلونا تمام کند.

۳۰۱. (world) هنرمندان از همه‌جای جهان به پاریس آمدند تا اولین نقاشی پیکاسو را در هنر مدرن ببینند.

۳۰۲. (creating) پیکاسو برای خلق سبک کوبیسم معروف است.

ترجمه متن ۵

برای افراد زیادی، سال‌های نوجوانی‌شان «از ۱۳ تا ۱۹» گاهی بهترین یا بدترین سال‌های زندگی‌شان است. گاهی بعضی از نوجوانان احساس می‌کنند که تفاوت‌های زیادی بین آن‌ها و والدینشان وجود دارد. نوجوانان اغلب می‌خواهند نشان دهند که آن‌چه که انجام می‌دهند درست است. آن‌ها می‌خواهند لباس‌های متفاوت بپوشند تا نشان دهند که آزاد هستند. در بعضی از کشورها، آن‌ها وقتی فقط ۱۶ سال دارند می‌توانند رانندگی کنند. بسیاری از افراد جوان بعد از مدرسه و آخر هفته‌ها شغل‌های پاره‌وقت انجام می‌دهند تا بتوانند ماشین‌های خودشان را بخرند. بعد از اتمام دبیرستان، بعضی از آن‌ها در آپارتمان‌های خودشان زندگی می‌کنند. با وجود این، نوجوانان باید بدانند که والدینشان چیزهای زیادی برای به اشتراک گذاشتن با آن‌ها دارند: تجارب زندگی‌شان، شکست‌هایشان و موفقیت‌هایشان. آن‌ها باید به والدینشان احترام بگذارند و مراقب آن‌ها باشند، چون والدین، بهترین حامی در زندگی آن‌ها هستند.

۳۰۳. (True) (درست) براساس متن، نوجوانان بین سیزده و نوزده سال هستند.

۳۰۴. (False) (نادرست) نوجوانان در سن ۱۶ سالگی می‌توانند در همه کشورها رانندگی کنند.

۳۰۵. (c) متن می‌گوید که والدین چیزهای زیادی برای به اشتراک گذاشتن با نوجوانان دارند.

۳۰۶. (d) نوجوانان باید به والدینشان احترام بگذارند، زیرا آن‌ها بهترین حامی برای نوجوانان هستند.

ترجمه متن ۶

خیلی مهم است که ما به معلم‌مان احترام بگذاریم. ما باید توجه داشته باشیم که معلم‌ها همیشه معلم نبوده‌اند. آن‌ها زمانی مثل ما دانش‌آموز بودند. آن‌ها مانند زمان مدرسه را تجربه کرده‌اند. ما می‌دانیم که معلم‌ها می‌خواهند به دانش‌آموزان کمک کنند تا یاد بگیرند. آن‌ها چیزهای زیادی دارند که با ما به اشتراک بگذارند: تجارب زندگی‌شان، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و بسیاری چیزهای دیگر.

وقتی به دیگران احترام می‌گذاریم، در واقع داریم به خودمان احترام می‌گذاریم. ما می‌توانیم با توجه‌کردن در طول درس‌ها و پیروی از قوانین کلاس به معلم‌هایمان احترام بگذاریم. یادتان باشد که یک دانش‌آموز خوب همیشه برای کلاس آماده است. همه ما معلم‌های دلسوز زیادی را دیده‌ایم که بسیار فراتر از وظایفشان می‌روند و تبدیل به یک الگو برای دانش‌آموزان می‌شوند. وقتی به آن‌ها گوش می‌دهیم و به آن‌ها احترام می‌گذاریم، آن‌ها احساس افتخار می‌کنند. وقتی خوب درس بخوانیم، در واقع داریم برای عشق و تلاششان از آن‌ها قدردانی می‌کنیم.

۳۰۷. (False) (نادرست) براساس متن، معلم‌ها همیشه معلم بوده‌اند.



ترجمه متن ۸

از سنین کودکی به بچه‌ها توسط والدینشان آموزش داده می‌شود به سالخوردگان احترام بگذارند. در طی مدرسه و دانشگاه، در حالی که شخصیتشان شکل می‌گیرد، این مسائل به آن‌ها یادآوری می‌شود. اما هنوز هم، ما اغلب فراموش می‌کنیم به بزرگانمان احترام بگذاریم. احترام گذاشتن به سالخوردگان باید از درون باشد. احترام گذاشتن به سالخوردگان تحت عادت‌ها و رفتارهایمان قرار می‌گیرد. همه از یک شخص خوش اخلاق خوششان می‌آید. همان‌طور که همه ما می‌دانیم، تاریخ خودش را تکرار می‌کند. اگر ما امروز به سالخوردگانمان احترام بگذاریم، وقتی پیر شویم احترام دریافت خواهیم کرد.

راه‌های زیادی برای نشان دادن احترام به افراد سالخورده وجود دارد. برای مثال، آن‌ها احساس خوشحالی و غرور می‌کنند وقتی آن‌ها را وارد تصمیم‌گیری خانواده می‌کنیم. آن‌ها بنا بر این‌ها از ما هستند و همان مسیر را پیش از ما طی کرده‌اند؛ بنابراین ما باید همیشه از آن‌ها مشاوره بخواهیم.

راه دیگر، گوش دادن به آن‌ها و پیروی کردن از رسوماتشان است، که با آن‌ها زندگی کرده‌اند. ما باید هم‌چنین به طور مکرر به آن‌ها سر بزنیم و آن‌ها را هم به خانه‌مان دعوت کنیم. ما باید اغلب با آن‌ها بنشینیم و غذا بخوریم. همه این‌ها به ما کمک خواهد کرد افراد مستمان را به رسمیت بشناسیم و قدرانشان باشیم. همیشه یادتان باشد که مردم همیشه با اعمالشان قضاوت می‌شوند و هر کلمه یا عمل، یک عکس‌العمل دارد؛ بنابراین اگر می‌خواهید در زندگی موفق و شاد باشید، با مؤدب بودن، شروع به احترام گذاشتن به افراد مسن کنید. سرانجام، دوست دارم بگویم که افراد سالخورده ما واقعاً باارزش هستند و ما باید به آن‌ها احترام بگذاریم.

۳۱۶. (b) واژه "repeatedly" در خط اول پاراگراف ۳ به معنی **دفعات زیاد** است.

۳۱۷. (c) "them" در خط اول پاراگراف ۳ به چه چیزی برمی‌گردد؟ **افراد مسن**

- (۱) روش‌ها
- (۲) عادت‌ها
- (۳) افراد مسن
- (۴) خانواده‌ها

۳۱۸. چه زمانی سالخوردگان احساس افتخار می‌کنند؟

When we include them in the decision making of the family.

وقتی آن‌ها را وارد تصمیم‌گیری خانواده می‌کنیم.

۳۱۹. چرا ما باید از افراد سالخورده راهنمایی‌شان را بخواهیم؟

Because they are more experienced than us, and they also have walked the same path before us.

چون آن‌ها با تجربه‌تر از ما هستند و هم‌پنین همان مسیر را پیش از ما طی کرده‌اند.

۳۲۰. طبق متن، اصطلاح "history repeats itself" به معنای چیست؟

If we will respect our elders, then we will get respect when we grow old.

اگر ما امروز به افراد سالخورده‌مان احترام بگذاریم، پس وقتی پیر شویم احترام دریافت خواهیم کرد.

ترجمه متن ۹

مفید بودن، آن چیزی است که ما به عنوان مهربانی می‌شناسیم. افراد مهربان، زندگی اطرافیان خود را بهبود می‌بخشند و به طور کلی از سلامت بهتری برخوردار هستند. مطالعات نشان می‌دهد که کارهای خیر می‌توانند اثرات جانبی مثبتی داشته باشند. آن می‌تواند احساسات خوب را افزایش دهد، شرایط سلامتی و احساسات را بهبود ببخشد. آن روابط با دیگران را افزایش می‌دهد. کارهای خیر می‌توانند جهان را مکانی شادتر برای همه بکنند. افراد خیر می‌توانند احساس‌های کنترل، شادی و مسئولیتشان را بالا ببرند.

آن‌ها هم‌چنین ممکن است الهام‌بخش دیگران باشند تا کارهای نیکی که آن‌ها در جامعه‌ای مثبت‌تر تجربه کرده‌اند را تکرار کنند. بیشتر ما کارهای خیر را به عنوان تلاش برای کمک به دیگران در نظر می‌گیریم، اما چه‌طور بدون کمک به دیگران زندگی می‌کنیم؟ چه‌طور عضو کمک‌کننده جامعه شویم؟ اهدای غذا بهترین راه برای کمک به دیگران است، زیرا آن برای انسان‌ها ضروری است. نه تنها خیریه‌ها از کمک‌ها سود می‌برند، بلکه شما هم از آن‌ها زیاد سود می‌برید. هزاران نفر به خیریه کمک می‌کنند تا اشخاصی که نیازمندان را حمایت کنند و نیازهای روحی آن‌ها را برآورده کنند.

۳۲۱. (False) (نادرست) خیرین به افرادی که از سلامت بهتری برخوردار هستند کمک می‌کنند.

۳۲۲. (True) (درست) وقتی خیر هستیم، جهان جای بهتری خواهد شد.

۳۲۳. (d) افراد خیر نمی‌توانند احساس اهداء را بهبود ببخشند.

۳۲۴. (c) "they" در خط پنجم به چه چیزی اشاره دارد؟ **افراد مهربان**

۳۲۵. بهترین روش برای کمک به سایرین چیست؟ چرا؟

Donating food is the best way to help others because it is essential for human beings.

اهدای غذا بهترین راه برای کمک به دیگران است، زیرا آن برای انسان‌ها ضروری است.

۳۲۶. چرا مردم به خیریه کمک می‌کنند؟

Thousands of people donate to charity to support the people in need and meet their moral needs.

هزاران نفر به خیریه کمک می‌کنند تا اشخاصی که نیازمندان را حمایت و نیازهای روحی آن‌ها را برآورده کنند.

ترجمه متن ۱۰

اهداکردن روشی عالی برای کمک کردن به دیگران از طریق اهدای چیزی به کسی است که آن را بیشتر از ما نیاز دارد. آن می‌تواند پوشاک، غذا، اسباب‌بازی، یا حتی وقتمان باشد. مردم پوشاک و اقلام دیگر را به برخی از مغازه‌ها اهدا می‌کنند و سایرین می‌توانند آن‌ها را با قیمت کم‌تر بخرند. پول حاصل از این فروش‌ها اغلب برای کمک به افراد نیازمند خرج می‌شود.

جای دیگر برای اهداکردن، جایی است که برای مردمی که غذای کافی برای خوردن ندارند، غذا جمع‌آوری می‌کند. با اهدای غذا، ما می‌توانیم به شخصی کمک کنیم تا غذای کافی برای خوردن داشته باشد. گاهی، می‌توانیم پول اهدا کنیم. بعضی از سازمان‌ها از آن پول برای ساختن مدارس، فراهم کردن کمک پزشکی، یا حتی محافظت کردن از محیط زیست استفاده می‌کنند. ما هم‌چنین می‌توانیم با کمک کردن یا استفاده از مهارت‌هایمان برای کمک به افراد نیازمند، وقتمان را اهدا کنیم. چه کتاب‌خواندن برای بچه‌ها و چه تمیز کردن یک پارک، کمک ما می‌تواند شادی‌آور باشد و اجتماعمان را بسازد. اهداکردن یک عمل سخاوتمندانه است. آن به ما یاد می‌دهد که به سایرین فکر کنیم و مهربان باشیم؛ بنابراین بیایید قدرت اهداکردن را به یاد داشته باشیم و به اهداکردن آن‌چه که می‌توانیم ادامه دهیم تا دنیا را به مکان بهتری تبدیل کنیم.

۳۲۷. (False) (نادرست) بعضی از افراد نیازمند پوشاک به مغازه‌ها اهدا می‌کنند.

۳۲۸. (True) (درست) مردم یاد می‌گیرند از طریق اهداکردن، به دیگران فکر کنند و مهربان باشند.

۳۲۹. (c) کدامیک از موارد زیر درباره اهداکردن صحیح است؟ **اهداکردن شکل‌های مختلفی داشته باشد.**

ترجمه کلمه ۱

زمینه دیگری که فناوری از آن به طور بسیار مؤثری حمایت می‌کند، کار پروژه‌های است. ما همیشه کوشیده‌ایم تا فراگیرها را تشویق به یادگیری درباره موضوعات از طریق زبان کنیم. این که باعث شویم فراگیرها کارهایی درباره موضوعات موردعلاقه‌شان یا موضوعاتی که در بخش‌های دیگر برنامه آموزشی آموزش داده می‌شود انجام دهند، یک راه عالی برای پیشرفت مهارت‌هایشان است. فناوری، این امر را در هر کجای جهان که باشید امکان‌پذیر می‌سازد. معلم‌ها و دانش‌آموزان می‌توانند در زمینه‌های مختلف موردعلاقه‌شان در اینترنت مطالبی را بخوانند یا گوش دهند، و سپس می‌توانند درباره آن چه که کشف کرده‌اند، بنویسند یا حرف بزنند.

۳۳۹. (a) به طور مؤثری ۳۴۰. (c) از طریق

۳۴۱. (a) teach (یاد دادن، درس دادن) یک فعل گذرا است، ولی بعد از آن مفعول نیامده است؛ پس باید مجهول شود.

۳۴۲. (b) فعل make با possible همانند است.

۳۴۳. (c) کشف کردن

ترجمه کلمه ۲

همایندی روشی است که کلمات در کنار هم به کار می‌روند تا در یک متن خاص طبیعی به نظر برسند. برای مثال، ممکن است بگوییم "The typhoon brought heavy rain and strong winds" (طوفان باران سنگین و بادهای شدیدی به همراه داشت). اما نگوئیم "strong rain" یا "heavy winds". این ترکیب‌ها، همانند نمی‌شوند. استفاده «نادرست» از همایندی ممکن است مردم را از درک مستثنای آن بگذرد، اما اغلب باعث می‌شود دقت مفهوم آن کم‌تر شود و ممکن است عجیب به نظر برسد. انتخاب همایندی مناسب، شما را قادر می‌سازد دقیق‌تر حرفتان را بزنید و توجه را به جایی که باید باشد، جلب می‌کند.

۳۴۴. (a) طبیعی ۳۴۵. (a) ترکیب

۳۴۶. (b) اگر فعل در نقش فاعل بیاید، باید آن را به شکل اسم مصدر (ing + فعل اصلی) یا مصدر با to (فعل اصلی + to) بنویسیم.

۳۴۷. (d) اما ۳۴۸. (c) ابراز کردن

ترجمه کلمه ۳

آیا تاکنون معلمی داشته‌اید که دنیای کاملاً جدیدی را برای شما باز کرده باشد؟ او آن معلمی بود که هرگز از شما ناامید نشد و معتقد بود که شما به آن چه که در ذهن دارید، می‌توانید برسید. آیا هرگز از آن معلم تشکر کردید و به او گفتید که چه تفاوتی در زندگی شما ایجاد کرده است؟ اگر این کار را نکرده‌اید، شاید بهتر است برای آن معلم خاص به فکر انجام آن در هفته سپاس از معلم باشید. اگرچه، همه معلم‌ها سزاوار مورد تقدیر واقع شدن در هفته سپاس از معلم هستند.

می‌دانم که وظیفه آن‌ها تدریس کردن به شماست، اما بعضی از معلم‌ها فراتر از حد و مرزهای تدریس درس‌های کلاس پیش می‌روند. معلم‌ها سعی می‌کنند به شما الهام ببخشند کاری را انجام دهید که هرگز فکر نمی‌کردید قابل تصور باشد. آن‌ها می‌خواهند با دانشی که در طول سالیان یاد گرفته‌اند، افق‌های فکری شما را گسترش دهند. معلم‌ها می‌خواهند که شما رؤیاهای بزرگی داشته باشید و همه آن‌ها را کامل کنید؛ در نتیجه شما باید از معلم‌هایی که یا فراتر از تدریس درس‌های معمولی کلاسی می‌گذارند، تشکر کنید.

۳۴۹. (b) تاکنون

۳۵۰. (b) برای difference از فعل make استفاده می‌کنیم.

۳۵۱. (a) در نظر گرفتن، به فکر ... بودن

۳۳۰. (a) براساس متن، اهدای وقت‌مان، استفاده کردن از مهارت‌ها برای کمک به افراد می‌پذیرد.

۳۳۱. معنی اهدا کردن بر طبق متن چیست؟

It means giving something to someone who needs it more than us.

آن به معنی اهدا کردن چیزی به کسی است که بیشتر از ما به آن نیاز دارد.

۳۳۲. بعضی از سازمان‌ها با پولی که مردم اهدا می‌کنند چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ Some organizations use the money to build schools, provide medical help, or even protect the environment.

بعضی از سازمان‌ها از آن پول برای ساختن مدارس، فراهم کردن کمک پزشکی، یا حتی محافظت کردن از محیط زیست استفاده می‌کنند.

ترجمه متن ۱۱

یک همایندی یک یا چند کلمه است که با هم ترکیب می‌شوند. این ترکیبات برای گویشوران بومی طبیعی به نظر می‌رسند، اما دانش‌آموزان زبان انگلیسی باید آن‌ها را با تمرین یاد بگیرند، زیرا اغلب حدس زدن آن‌ها سخت است. ترکیبات غیرطبیعی برای گویشوران بومی زبان انگلیسی اشتباه هستند. به عنوان مثال، صفت «سریع» با «ماشین‌ها» ترکیب می‌شود، اما با «نگاه کردن» ترکیب نمی‌شود. یادگیری همایندی کلیدی‌ترین بخش یادگیری واژگان یک زبان است. برخی از ترکیبات به نظر ثابت یا بسیار قوی می‌رسند. در عبارت «take a photo»، هیچ کلمه‌ای به جز «take» با photo ترکیب نمی‌شود که معنای یکسانی را ارائه بدهد. مثال دیگر «make an effort» است و نه «do an effort».

تعدادی از همایندی‌ها آزادتر هستند، زیرا چندین واژه مختلف ممکن است با هم بیایند تا معنی یکسانی بدهند، برای مثال، «keep to or stick to the rules». گاهی، دو کلمه ممکن است غلط باشند و مردم آن را خواهند فهمید، اما آن ممکن است یک همایندی طبیعی نباشد. اگر کسی بگوید I did a few mistakes, یک گویشور روان زبان انگلیسی ممکن است متوجه شود، اما احتمالاً خودش بگوید: "I made a few mistakes"

۳۳۳. (False) (نادرست) کلمه‌ای که اغلب به طور طبیعی استفاده می‌شود، همانند نامیده می‌شود.

۳۳۴. (True) (درست) در یادگیری کلمات یک زبان، یادگیری همایندی مهم است.

۳۳۵. (d) کدام‌یک از موارد زیر درباره همایندی درست نیست؟ حدس زدن همایندی‌ها همیشه برای همه سخت است.

۳۳۶. (c) براساس متن، کدام‌یک از موارد زیر یک همایندی طبیعی است؟ ماشینی‌های سریع

۳۳۷. چرا بعضی از همایندی‌ها آزادتر نامیده می‌شوند؟

Some collocations are more open because several words may go together to give a similar meaning.

تعدادی از همایندی‌ها آزادتر هستند، زیرا چندین واژه مختلف ممکن است با هم بیایند تا معنی یکسانی بدهند.

۳۳۸. یک همایندی چیست؟

A collocation is two or more words combined.

یک همایندی یک کلمه یا چند کلمه است که با هم ترکیب می‌شوند.



۳۶۰. (but) لیوان کف زمین افتاد، اما نشکست.

۳۶۱. (or) شما می‌توانید الان پرداخت کنید یا وقتی نقاشی‌تان را تمام کردم.

۳۶۲. (but) معلم انگلیسی ما خیلی سخت‌گیر است، اما همه دانش‌آموزان واقعاً او را دوست دارند.

۳۶۳. (so) در ترم گذشته خوب درس نخواندم؛ بنابراین آن دوره را افتادم.

۳۶۴. (and) پدرم روی کاناپه نشست و روزنامه را باز کرد.

۳۶۵. (or) در شب عادت داشتیم با دوستانمان بیرون برویم یا در خانه بمانیم و تلویزیون تماشا کنیم.

۳۶۶. (or) شما می‌توانید یک پیراهن بخرید، یا می‌توانید پولتان را پس‌انداز کنید.

۳۶۷. (so) هیچ‌چیز در خانه برای خوردن وجود نداشت؛ بنابراین به یک رستوران رفتم.

۳۶۸. (but) دوستم مشکلات زیادی داشت، اما هیچ‌چیز به من نگفت.

۳۶۹. (and) او تعدادی کتاب برای بچه‌ها نوشت و کتاب‌های داستان زیادی را ترجمه کرد.

۳۷۰. (or) او می‌تواند یک دیکشنری بخرد یا می‌تواند آن را از کتابخانه قرض کند.

۳۷۱. (so) هیچ نانی در خانه نبود؛ بنابراین مادرم بیرون رفت تا مقداری بخرد.

۳۷۲. (and) علی یک کت جدید خرید و آن را به مدت دو سال پوشید.

۳۷۳. (and) من صبح زود بیدار می‌شوم و خودم یک املت درست می‌کنم.

معلم‌ها هر روز سخت کار می‌کنند تا مطمئن شوند که شما درس‌هایتان را یاد گرفته‌اید؛

۳۷۴. (so) بنابراین آن‌ها استحقاق احترام شما را دارند. شما باید ارزش‌هایشان را

بدانید (۳۷۵) (and) و به آن‌ها بگویید که به خاطر کمکشان ممنون آن‌ها هستید.

شما شاید گاهی مهربانی آن‌ها را فراموش کنید (۳۷۶) (but) اما باید یادتان باشد

که آن‌ها مانند والدینتان زندگی شما را شکل می‌دهند. وقتی هنوز برقرار هستند با آن‌ها

خوب برخورد کنید، (۳۷۷) (or) یا این‌که روزی متأسف خواهید شد.

۳۷۸. (and) آن‌ها دیروز به پارک رفتند و اوقات بسیار خوبی داشتند.

۳۷۹. (or) شما می‌توانید یک ماشین بخرید یا پولتان را پس‌انداز کنید.

۳۸۰. (but) او عاشق سیب است، اما از موز متنفر است.

مورچه‌ها هر جایی در جهان یافت می‌شوند. آن‌ها خانه‌شان را در ساختمان‌ها می‌سازند

(۳۸۱) (or) یا در باغ‌ها زندگی می‌کنند. مورچه‌ها حشرات بسیار پرتلاشی هستند

(۳۸۲) (and) و در طی تابستان‌ها غذا را برای فصل زمستان جمع‌آوری می‌کنند. هر

وقت که آن‌ها روی کف زمین شیرینی پیدا می‌کنند، به آن شیرینی می‌چسبند (۳۸۳)

(and) و آن را به خانه‌شان می‌برند. آن‌ها معمولاً بدون بال هستند (۳۸۴) (but)

اما آن‌ها وقتی تولیدمثل می‌کنند، بال درمی‌آورند.

۳۸۵. (or) ما می‌توانیم در یک رستوران غذا بخوریم یا آن‌ها را در خانه بخوریم.

۳۸۶. (but) آن‌ها می‌خواستند به تو زنگ بزنند، اما شماره‌ات را نداشتند.

۳۸۷. (but) سبیده ماکارونی دوست دارد، اما مادر بزرگش از ماکارونی متنفر است.

۳۸۸. (so) این کفش‌ها راحت نیستند؛ بنابراین آن‌ها را نخواهم خرید.

۳۸۹. (and) او به رستوران رفت و غذا سفارش داد.

۳۹۰. (or) ما می‌توانیم با اتوبوس برویم یا تاکسی بگیریم.

۳۹۱. (so) آن دیکشنری گران است؛ بنابراین نمی‌توانم آن را بخرم.

۳۹۲. (so) سارا فست‌فود دوست ندارد؛ بنابراین اصلاً چیز برگر نمی‌خورد.

۳۹۳. (or) ما می‌توانیم سوار تاکسی شویم یا با قطار سفر کنیم.

۳۹۴. (and) مادرش به اتاق رفت و با یک دفترچه خاطرات قدیمی برگشت.

۳۹۵. (but) پسرعموی من کتاب‌های زیادی دارد، اما او هرگز آن‌ها را نمی‌خواند.

۳۹۶. (or) من امشب بیرون می‌روم یا در خانه استراحت می‌کنم.

۳۹۷. (but) ماری زیاد درس می‌خواند، اما نمی‌تواند امتحان را پاس کند.

۳۵۲. (c) الهام‌بخش بودن

۳۵۳. (b) از زمان حال کامل می‌توانیم برای انجام کاری استفاده کنیم که از گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد.

Writing

نگارش

جملات مرکب (Compound Sentences)

هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. به چنین جمله‌ای، جمله ساده می‌گوییم. اما جمله‌ای که دارای بیش از یک فاعل و فعل است و با حروف ربط and, or, but, so به هم وصل می‌شود، جمله مرکب نامیده می‌شود.

Roger got up late, so he arrived late to the ceremony.

رابر دیر بیدار شد؛ بنابراین دیر به مراسم رسید.

کاربرد حروف ربط and, but, or, so

۱ کاربرد and (و)

از and برای اضافه کردن توضیحات یا اطلاعاتی به جمله قبلی استفاده می‌کنیم. My sister is good at math, and she always gets good grades.

فواهرم در ریاضی قوی است و همیشه نمرات قوی می‌گیرد.

۲ کاربرد but (اما)

از این حرف ربط، زمانی استفاده می‌شود که می‌خواهیم دو ایده متضاد یا متفاوت را به هم وصل کنیم.

I'm also good at math, but my sister is better than I am.

من نیز در ریاضی قوی هستم، اما فواهرم از من بهتر است.

۳ کاربرد or (یا)

or برای جایگزین کردن یا انتخاب از بین دو چیز استفاده می‌شود. I will ask my teacher for help, or I will talk to my advisor.

من از معلم تقاضای کمک فواهرم کردم، یا با مشاور صحبت فواهرم کردم.

۴ کاربرد so (بنابراین)

از so برای نشان دادن نتیجه یا بیان کردن علت و معلول استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، جمله دوم نتیجه جمله اول است.

My sister is older than I am, so maybe she can help me.

فواهرم از من بزرگ‌تر است؛ بنابراین شاید بتواند به من کمک کند.

نکته: در صورتی که این حروف ربط دو جمله را به هم وصل کنند، قبل از آن‌ها کاما می‌آید.

۳۵۴. (but) خانم تهرانی ماهی دوست دارد، اما مادر بزرگش از آن متنفر است.

۳۵۵. (so) این کفش‌ها راحت نیستند؛ بنابراین به ندرت آن‌ها را می‌پوشم.

۳۵۶. (and) آن زن ظرف‌ها را شست و دخترش آن‌ها را خشک کرد.

۳۵۷. (or) شما می‌توانید این کتابچه راهنما را چک کنید یا می‌توانید از وب‌سایت‌مان دیدن کنید.

۳۵۸. (so) سحرخیز باش تا کامروا شوی؛ بنابراین اگر می‌خواهید موفق شوید، بیدار شوید و زود شروع به کار کنید.

۳۵۹. (and) او سال پیش یک خانه خرید، یک کار پیدا کرد و برای بچه‌هایش یک مدرسه انتخاب کرد.



....., but he has to read it. **۴۲۹.**

آن کتاب هوصله سر بر است، اما او میباید آن را بخواند.

....., and I make an omelet. **۴۳۰.**

من صبح زود بیدار می شوم و املت درست می کنم.

....., but these / those shoes (they) are big. **۴۳۱.**

این کفش ها کوچک هستند، اما این / آن کفش ها (آن ها) بزرگ هستند.

..... a face mask and wore it. **۴۳۲.**

آن پسر یک ماسک فرید و آن را زد.

....., but he had to learn it. **۴۳۳.**

آن درس سخت بود اما او باید آن را یاد می گرفت.

....., or you can buy a paper dictionary (one). **۴۳۴.**

شما می توانید یک دیکشنری موبایل نصب کنید، یا می توانید یک دیکشنری کاغذی بخرید.

....., and reads a book. **۴۳۵.**

هر روز، پدرم روی کاناپه می نشیند و کتابی می خواند.

۴۳۶. (b) من سه ساعت را در باشگاه سپری کردم؛ بنابراین واقعاً الان خسته هستم.

۴۳۷. (d) ابرهای زیادی در آسمان هست و شما نمی توانید خورشید را ببینید.

۴۳۸. (c) والدینم از کار کردن در باغ لذت می برند و در آن جا سبزیجات

پرورش می دهند.

۴۳۹. (d) میبار باید انتخاب کند. او می تواند تلویزیون تماشا کند یا می تواند بخوابد.

۴۴۰. (a) باران شدیدی می بارد؛ بنابراین با دقت بیشتری رانندگی کن.

۴۴۱. (d) جان دوست دارد کتاب بخواند و زمان زیادی را برای انجام آن

صرف می کند.

معن شنیداری ۱

A: When is your birthday?

B: It's on May 21.

A: Hey, that's next week. Are you going to have a party?

B: No, I'm going to go out for dinner with my parents.

۴۴۲. (a) تولد او چه وقت است؟ هفته آینده

۴۴۳. (b) آیا قصد دارد مهمانی بگیرد؟ نه

معن شنیداری ۲

A: I bought a dress for my mother's birthday.

B: Good. What color was it?

A: It was red. It was really beautiful.

B: Was it expensive?

A: No, it wasn't.

B: Did she like it?

A: Yeah. She got very happy when she saw it.

۴۴۴. آن لباس چه رنگی بود؟ **It was red.** / قرمز بود. / قرمز

۴۴۵. آیا مادرش از آن لباس خوشش آمد؟ **Yes, she did.** / Yes, she did. / بله خوشش

آمد. / بله

۳۹۸. (and) رضا و سعید هفته پیش به شنا رفتند و اوقات خوشی را سپری کردند.

۳۹۹. (or) شما می توانید پیتزا بخورید یا یک ساندویچ بخورید.

۴۰۰. (so) شیوا فردا امتحان دارد؛ بنابراین باید امشب خوب درس بخواند.

۴۰۱. (but) کلاس انگلیسی من واقعاً لذت بخش است، اما من تکالیف زیادی برای انجام دادن دارم.

۴۰۲. (So) تو بازی را باختی! بنابراین اگر می خواهی موفق شوی، باید بیشتر تمرین کنی.

۴۰۳. (or) شما می توانید اتوبوس بگیرید یا سوار تاکسی شوید.

۴۰۴. (and) من پای تخته رفتم و موضوع درس جدید را نوشتم.

۴۰۵. (but) برادرم مرد ثروتمندی است، اما خواهرم فقیر است.

۴۰۶. (so) من احساس گرسنگی می کردم؛ بنابراین برای خودم یک ساندویچ درست کردم.

۴۰۷. (or) آیا شما به سینما خواهید رفت یا در خانه می مانید؟

۴۰۸. (but) احمد می تواند فوق العاده آواز بخواند، اما نمی تواند خوب طراحی کند.

۴۰۹. (so) بیرون دارد شدیداً باران می بارد؛ بنابراین چترت را بردار.

۴۱۰. (and) من دیشب فیزیک خواندم و مقداری یادداشت برداشتم.

۴۱۱. (or) شما می توانید این دیکشنری را نصب کنید یا می توانید یک دیکشنری کاغذی بخرید.

۴۱۲. (but) من به تام زنگ زدم، اما او جواب نداد.

۴۱۳. (so) خیلی دیر شده بود؛ بنابراین تاکسی گرفتیم.

۴۱۴. (or) شما می توانید سوار اتوبوس شوید یا می توانید با قطار بروید.

۴۱۵. (and) او سوار آن ماشین شد و رفت.

۴۱۶. (or) شما می توانید آن خودکار آبی را داشته باشید یا می توانید آن خودکار قرمز را داشته باشید.

۴۱۷. (but) من در ورزش خیلی خوب هستم اما در ریاضی خیلی بد هستم.

۴۱۸. (and) همکلاسی ام خوب ریاضیات را خواند و مقداری یادداشت برداشت.

درختان خیلی با ارزش هستند. آن ها دی اکسید کربن را از جو می گیرند (**۴۱۹**) (and) و آن را با اکسیژن پر می کنند. دی اکسید کربن برای طبیعت مضر است، (**۴۲۰**) (but)

اما اکسیژن آن را زنده نگه می دارد. به علاوه، آن ها چیزهای ضروری زیادی از زندگی روزمره را برای ما فراهم می کنند؛ (**۴۲۱**) (so) بنابراین درختان بهترین دوستان بشر هستند.

۴۲۲. (but) شیوا خوب تنیس بازی می کند، اما زهرا در آن خوب نیست.

۴۲۳. (so) چیزی در تلویزیون وجود نداشت؛ بنابراین خوابیدم.

۴۲۴. (or) شما می توانید یک پیام به او بدهید یا می توانید به او زنگ بزنید.

۴۲۵. (but) من می خواستم آن فیلم را تماشا کنم، اما برادرم می خواست آن بازی را تماشا کند.

....., they should stay at home. **۴۲۶.**

بسیاری از مردم هنوز هم به قاطر کوید ۱۹ دارند مریض می شوند؛ بنابراین آن ها باید در خانه بمانند.

....., he has to do his homework. **۴۲۷.**

بیمی به نظر قبلی فسته است، اما باید تکالیفش را انجام دهد.

....., so he passed it. **۴۲۸.**

سعید سفت برای آن امتحان درس خواند؛ بنابراین آن را پاس کرد.



۴۵۷. (True) (درست) آن مرد آن محیط جدید را دوست دارد.

۴۵۸. (creative) (براساس حرف گوینده، دلیل عضو خلاق تیم است.

respect each other's abilities. ۴۵۹.

کلید موفقیت آن‌ها در کار با یکدیگر این است که آن‌ها به توانایی‌های یکدیگر احترام می‌گذارند.

۴۶۰. یک سال پیش، نظر او درباره کار کردن در یک محیط تیمی چه بود؟

He didn't enjoy working in a team environment a year ago.

او یک سال پیش از کار کردن در یک محیط تیمی لذت نمی‌برد.

متن شنیداری ۸

Behzad: How's everything Amin? You seem to be busy these days, don't you?

Amin: I'm OK Behzad. I'm working on a new project. I'm really tired.

Behzad: But your health is really important, isn't it?

Amin: I know. But what about work, money, responsibility? We need to consider them all, don't we?

Behzad: Yes, but health is on the top of everything.

۴۶۱. (a) امین واقعاً خسته است، زیرا دارد روی یک پروژه جدید کار می‌کند.

۴۶۲. (c) امین فکر می‌کند که ما باید کار، پول و مسئولیت را بیشتر در نظر بگیریم.

۴۶۳. (c) بهزاد چه فکری درباره سلامتی می‌کند؟ سلامتی بر همه چیز اولویت دارد.

متن شنیداری ۹

Alex: Mom?

Mom: Yes, Alex. What is it?

Alex: Don't get mad, but I left my jacket on the bus.

Mom: You what?

Alex: I left my jacket on the bus. I'm sorry.

Mom: Oh Alex. That jacket was new, and it was expensive.

Call the bus station now.

۴۶۴. الکس کتشی را کجا جا گذاشت؟

کتش را در اتوبوس جا گذاشت.

۴۶۵. (False) (نادرست) کتشی جدید و گران نبود.

۴۶۶. (True) (درست) مادرش به او گفت به ایستگاه اتوبوس زنگ بزند.

متن شنیداری ۱۰

A: Do you play any sports, Nick?

B: Yes, I love playing sports. But my favorite sport is volleyball.

A: Really? Are you on a team?

B: Yes, I am. It is a lot of fun.

A: How often do you play?

B: Oh, about twice a week. So, how about you? Do you play sports?

A: Well it depends. Do you think playing video games is a sport?

B: Umm, I'm not sure about that.

متن شنیداری ۳

A: Do you cook?

B: Yes, sometimes. I like cooking healthy food.

A: Is it difficult to cook?

B: No. Actually, it is very easy.

A: Who helps you when you cook?

B: My mother and my younger sister.

A: How interesting! Can you tell me how to cook?

B: Yes, of course.

۴۴۶. (a) (درست) آشپزی برای او آسان است.

۴۴۷. (b) (نادرست) خواهر بزرگ‌ترش به او کمک می‌کند آشپزی کند.

متن شنیداری ۴

Listen to five interesting things about our brain.

1- The brain is more active at night than during the day.

2- Most part of the brain is water.

3- When you laugh, five different parts of the brain are active.

4- Information moves in the brain faster than the fastest cars.

5- When the brain does not have good and healthy food, it becomes smaller.

۴۴۸. مغز در شب فعال‌تر از روز است، بیشتر مغز را آب تشکیل می‌دهد.

۴۴۹. (healthy) وقتی مغز غذای خوب و سالم نداشته باشد، کوچک‌تر می‌شود.

متن شنیداری ۵

۴۵۰. sure (مطمئن)

۴۵۱. life (زندگی)

۴۵۲. abroad (خارج)

متن شنیداری ۶

۴۵۳. special (ویژه، خاص)

۴۵۴. vacation (تعطیلات)

۴۵۵. hope (امیدوار بودن)

متن شنیداری ۷

Before I started my new job, I didn't know that I would be working so closely with another employee of the company. I have always been self-directed. I didn't need to worry about me to tell the truth. I was working in a team after having had so much independence. To my surprise, I liked the environment, and I think I actually do better work because of it. Of the two of us, Delilah is the creative one. She often has good ideas and because I'm resourceful, we often find a way to put those ideas to work. I think the key to our success in working together is that we respect each other's abilities. If you told me a year ago that I would be working in a team environment and enjoying it, I would have told you that you were crazy.

۴۵۶. (False) (نادرست) آن مرد الان دارد به تنهایی کار می‌کند.



متن شنیداری ۱۴

Sara: It's so good that there are famous physicians in your hospital.

Nurse: Do you know Iran has always had great physicians and doctors and has been rich in **medicine**?

Sara: It sounds interesting. Can you name some of them? I'd like to know them.

Nurse: Back in **history**, we can mention Avicenna.

Sara: Avicenna! Can you tell me more about him?

Nurse: Yeah, of course! He was a great **Persian** physician. He has written two great books. His **life** is a source of inspiration for many people.

Sara: That's so nice. I think I'll ask my dad to **take** us to Hamedan this summer.

Nurse: Yeah, I think that will be an exciting trip!

۴۸۶. history (تاریخ)	۴۸۵. medicine (پزشکی)
۴۸۸. life (زندگی)	۴۸۷. Persian (ایرانی)
	۴۸۹. take (بردن)

متن شنیداری ۱۵

Zahra: Hi Mobina.

Mobina: Hi. What's wrong with your voice? It seems you have caught a terrible flu, haven't you?

Zahra: You're right. It was raining and the bus came late, so I had to **walk** home in **rain**.

Mobina: Oh, what a bad luck! so I think we can't go to the **gym** because you are sick, can we?

Zahra: Oh, no, sorry for that.

Mobina: That's OK. Don't worry. Thus, stay at **home** and take a rest. Your **health** is more important.

Zahra: Thanks for your advice. Have a nice day!

۴۹۰. (walk)

۴۹۱. (rain) زهرا به آنفلوآنزای بدی مبتلا شده است، چون باید در باران تا خانه قدم می‌زد.

۴۹۲. (gym) زهرا و مبینا نمی‌توانند به باشگاه بروند، زیرا زهرا بیمار است.

۴۹۳. (home)

۴۹۴. (rest) مبینا به زهرا گفت در خانه بماند و استراحت کند.

۴۹۵. طبق حرف‌های مبینا، چه چیزی مهم‌تر است؟

Health is more important.

سلامتی مهم‌تر است.

متن شنیداری ۱۶

۴۹۷. knowledge (دانش)	۴۹۶. forgive (بخشیدن)
۴۹۹. respecting (احترام‌گذاشتن)	۴۹۸. faced (مواجه‌شدن)
۵۰۱. appreciate (قدر دانستن)	۵۰۰. feel (احساس کردن)

۴۶۸. team (تیم)	۴۶۷. volleyball (والیبال)
۴۷۰. play (بازی کردن)	۴۶۹. fun (سرگرمی)
۴۷۲. games (بازی‌ها)	۴۷۱. twice (دوبار)

متن شنیداری ۱۱

Dr. Asadi is answering this important question: "Why is it important to care for our elders?" I think, first of all, we need to remember that they are our mothers and fathers and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than anyone of us. They've come so far, and they've learned so much. We have a responsibility to learn from that wisdom.

۴۷۳. (a) بزرگ‌ترهای ما چه کسانی هستند؟ مادران و پدران

۴۷۴. (b) الف: بزرگ‌ترهای ما چه چیزی به ما آموزش می‌دهند؟ ب: آن‌ها به ما یاد می‌دهند چه طور عشق بورزیم و مراقبت کنیم.

۴۷۵. (d) ما مسئولیت داریم تا از خورد آن‌ها بیاموزیم.

متن شنیداری ۱۲

A: The programs on TV these days are the **worst**. Even with a hundred channels to **choose** from, everything is **terrible**.

B: You're right about that! I think it's because most TV programs are written for **teenagers**. There is nothing for older people to **enjoy**.

۴۷۶. worst (بدترین)

۴۷۷. choose (انتخاب کردن)

۴۷۸. terrible (وحشتناک، بد)

۴۸۰. teenagers (نوجوانان)

۴۸۱. enjoy (لذت بردن)

متن شنیداری ۱۳

Teacher: Students! do you know respecting others can make our world a better place to live in?

Student: Yes, sure. But how can we show our respect to others?

Teacher: Well, there are many helpful tips.

Student: Would you please tell some of them?

Teacher: Yes, certainly. Today I will talk about two of them. First, you should listen to others when they speak.

Student: But some people speak a lot.

Teacher: I know. But again you should listen to them if you want to respect them. Second, you should value other people's opinions.

۴۸۲. (False) (نادرست) قول دادن به دیگران می‌تواند دنیای ما را جای بهتری برای زندگی کردن کند.

۴۸۳. (True) (درست) دانش آموز فکر می‌کند که بعضی از مردم زیاد حرف می‌زنند.

۴۸۴. (listen) اگر ما بخواهیم به دیگران احترام بگذاریم، ابتدا باید به آن‌ها گوش دهیم.



پاسخ نامه تشریحی درس ۲

۵۲۷. (a) سعی کنید از غذاهایی که چربی زیادی دارند پرهیز کنید.
 ۵۲۸. (d) من دور مدخل دیکشنری برای واژه "purpose" خط کشیدم.
 ۵۲۹. (b) جان نتوانست بفهمد که معلم داشت درباره چه چیزی حرف می‌زد.
 ۵۳۰. (e) من همیشه برای یادگیری لغت از یک دیکشنری تک‌زبانه استفاده می‌کنم.
 ۵۳۱. (b) من از یک دیکشنری دوزبانه استفاده می‌کنم، چون یک دانش‌آموز مبتدی هستم.
 ۵۳۲. (e) I.R علامت اختصاری جمهوری اسلامی است.
 ۵۳۳. (d) من صندلی‌ها را دور میز چیدم.
 ۵۳۴. (a) کوچک‌ترین دیکشنری در جهان باید با ذره‌بین خوانده شود.
 ۵۳۵. (d) من نتوانستم بفهمم که چه طور آن مسئله ریاضی را حل کنم.
 ۵۳۶. (c) علائم اختصاری در متن برای صرفه‌جویی در فضا استفاده می‌شوند.
 ۵۳۷. (e) اطلاعات جهانی، از جمله صفحات اینترنتی، تصاویر، ویدیوها و غیره را جست‌وجو کنید.
 ۵۳۸. (a) آیا آن کارگر چیدن آن‌ها را به موقع تمام کرده است؟
 ۵۳۹. (e) مورچه‌ها در مورچه‌ها زندگی می‌کنند و هر جایی در جهان یافت می‌شوند.
 ۵۴۰. (d) تماس‌های ویدیویی به شما اجازه می‌دهند تا شخصی که با او پشت تلفن حرف می‌زنید را ببینید.
 ۵۴۱. (c) او مشکل شنوایی دارد، و از یک سمعک استفاده می‌کند.
 ۵۴۲. (b) من می‌توانم یک سری حشرات بسیار کوچک را به وسیله یک ذره‌بین ببینم.
 ۵۴۳. (purpose) پول‌درآوردن هدف اصلی او در زندگی است.
 ۵۴۴. (monolingual) برادرم همیشه از یک دیکشنری تک‌زبانه استفاده می‌کند.
 ۵۴۵. (symbol) آن یک نماد صلح است.
 ۵۴۶. (contain) الف: دکتر چه گفت؟ ب: او از من خواست از غذاهایی که شامل چربی زیادی هستند پرهیز کنم.
 ۵۴۷. (combination) به عنوان یک هنرمند بزرگ، او در آثارش از ترکیبی از رنگ‌ها استفاده کرد.
 ۵۴۸. (origin) یک دیکشنری کامل به شما درباره ریشه کلمات و داستان پشتشان می‌گوید.
 ۵۴۹. (effectively) او نقشش را به طور بسیار مؤثری بازی کرد.
 ۵۵۰. (suppose) اجازه دهید برای لحظه‌ای تصور کنیم که آن خبر واقعاً درست است.
 ۵۵۱. (recommend) الف: شما چه نوع دیکشنری‌ای پیشنهاد می‌کنید؟ ب: دیکشنری دانش‌آموز.
 ۵۵۲. (arrange) ما باید صندلی‌ها را دور میز بچینیم.
 ۵۵۳. (introduction) این کتاب فقط یک مقدمه دوصفحه‌ای دارد.
 ۵۵۴. (communicative) او خیلی اجتماعی بود و افکار و احساساتش را با دوستانش به اشتراک می‌گذاشت.
 ۵۵۵. (effectively) اگر دانش‌آموزان بدانند که چه طور به طور مؤثرتری درس بخوانند، آن‌ها می‌توانند بیشتر یاد بگیرند.
 ۵۵۶. (definitions) یک دیکشنری خوب به کاربر درباره کلمات، اطلاعاتی مانند املا و معانی می‌دهد.

متن شنیداری ۱۷

۵۰۳. depends (بستگی داشتن)
 ۵۰۴. active (فعال، پر جنب و جوش)
 ۵۰۲. gym (باشگاه)
 ۵۰۴. team (تیمی)

متن شنیداری ۱۸

Behzad: How's everything, Amin? You seem to be busy these days, don't you?

Amin: I'm OK Behzad. I'm working on a new project. I'm really tired.

Behzad: But your health is really important, isn't it?

Amin: I know. But what about work, money, responsibility? We need to consider them all, don't we?

Behzad: Yes, but health is on top of everything.

۵۰۶. (True) (درست) امین دارد روی یک پروژه جدید کار می‌کند.

۵۰۷. (False) (نادرست) برای امین، سلامتی مهم‌تر از کار است.

۵۰۸. (False) (نادرست) بهزاد فکر می‌کند که پول از همه چیز مهم‌تر است.

متن شنیداری ۱۹

۵۰۹. Diploma (دیپلم)
 ۵۱۰. founded (تأسیس کردن)
 ۵۱۱. generous (سخاوتمند)
 ۵۱۲. regarded (در نظر گرفتن)
 ۵۱۳. professor (پروفسور، استاد)
 ۵۱۴. diseases (بیماری‌ها)

متن شنیداری ۲۰

A: Sam has not come to work. I've heard he's sick, isn't he?

B: Oh, yes. He was not well yesterday.

A: What's wrong with him?

B: The doctors are checking his health condition.

A: It isn't something serious, is it?

B: I hope not.

۵۱۵. (False) (نادرست) سم به سرکار آمده است.

۵۱۶. (False) (نادرست) حال سم دیروز خوب بود.

۵۱۷. (True) (درست) دکترها دارند وضعیت سلامت سم را بررسی می‌کنند.

۵۱۸. (False) (نادرست) دوست سم فکر می‌کند که او یک مشکل سلامت جدی دارد.

متن شنیداری ۲۱

۵۱۹. think (فکر کردن)
 ۵۲۰. accept (پذیرفتن)
 ۵۲۱. knowledge (دانش)
 ۵۲۲. come (آمدن)

متن شنیداری ۲۲

I had a terrible day. First, I lost my cellphone. Then I was late for class. When I was at school, I dropped my laptop on the ground. Finally, I failed my math test.

۵۲۳. (True) (درست) او ابتدا موبایلش را گم کرد.

۵۲۴. (False) (نادرست) او به اتوبوس دیر رسید.

۵۲۵. (False) (نادرست) او لپتاپش را روی کاناپه انداخت.

۵۲۶. (True) (درست) او امتحان ریاضی‌اش را قبول نشد.